

وقتی که سازمان دهندگان قتل و توطئه ، فرمان قتل توطئه را صادر می کند !

و هیچگونه اعتراض، مخالفت، انتقاد و دگراندیشی را تحمل نمیکنند خاتمی و جناح وی را مسبب پررو شدن مطبوعات و نویسندها و روزنامه نگاران و سایر کسانی که "طبعیات" و "مسلسلات" اسلام را به "مسخره" گرفته و "موازین شرع" را زیرسیوال می برند، میداند، با سمبولی پرزور برمواضع رئیس جمهور پوشش میبرد. جناح اخیر با وجود آنکه پایان جنگ و نزاع را اعلام نمی کند اما با غرولندو دادن تلافات، عقب می نشینند.

جناح مسلط که تهاجم همه جانبی خودرا از محاکمه برکناری شهردار تهران و دبیر کل حزبی که داشتند از او یک "قهرمان" می ساختند، شروع کرده بود

صفحه ۳

دور بی پایان کشمکش و نزاع میان جناح های حکومتی ادامه یافته و تشید شده است. پس از جلوس خاتمی بر مسند ریاست جمهوری که تشید بحران رهبری حکومت اسلامی را در بی داشت، جنگ جناحها وارد مراحل حادتری شده و شکاف در بالا را عمیق تر ساخته است. با وجود آنکه جناح ها، مطلاقاً خواهان تعیق این شکاف نیستند، چرا که این را فهمیده اند که در این و از این شکاف جنبش های اعتراضی، آزادی خواهانه و مستقل توده ای سر بر می آورند و قد می کشند، اما تمام مصالحی را که برای پر کردن این شکاف بکار می برند بی فایده از کار در می آید و از پیشگیری این روند عاجزند! جناح خامنه‌ای - یزدی که جناح مسلط حکومتی است

طبقه کارگر و آزادی های سیاسی

بحران همدارکان نظام جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. بحران سیاسی به یک واقعیت غیر قابل انکار تبدیل شده است. دامنه اعتراض و مبارزه مردم پیوسته گسترش می یابد. توده مردم دیگر نمی خواهد باوضع گذشته زندگی کنند. اوضاع اقتصادی و سیاسی موجود بیش از پیش برای آنها تحمل ناپذیر شده است. در بالا، در صفویه هیئت حاکم، اختلافات و تضادها به میزان بی سابقه ای تشید شده اند و شکافی عمیق در درون هیئت حاکم و دستگاه دولتی پدید آمده است. همه این واقعیات بیانگر بحران فرو پاشی حکومت اند. رژیم جمهوری اسلامی که در آستانه فرو پاشی و سرنگونی قرار گرفته است، بیهوده تلاش می کند خود را از مخصوصه بحران موجود نجات دهد. این بحران عمیق تراز آن است که با تاکتیک "لیبرالی" "جناح خاتمی" یا تاکتیک سرکوب گسترده تر جناح دیگر حل گردد. حالا دیگر حتی بخشی از طرفداران خاتمی به شکست اعتراض می کنند و البته توجیه شان هم این است که جناح دیگر مانع است. از سوی دیگر، جناح مسلط که دولت به معنای اخص کلمه را با تمام ارکان های سرکوب اش در اختیار دارد، سرکوب و اختناق را تشید نموده و وحشیانه ترین شیوه های سرکوب را بکار گرفته است. ترور مخالفین سیاسی و آزادی خواهان توسط جوخه های مرگ حکومت اسلامی در ابعادی جدید در دستور کار قرار گرفته است. هنوز چند روز از قتل وحشیانه داریوش و پروانه فروهر و مرگ مشکوک مجید شریف نگذشته بود که محمد مختاری نویسنده آزادی خواه ربوه شد و وحشیانه به قتل رسید، در همان روزی که جسد بیجان محمد مختاری پیدا شد، محمد جعفر پوینده نویسنده و مترجم آزادی خواه دیگر نیز توسط جوخه های مرگ ربوه شد و نوشته مشابه محمد مختاری پیدا کرد. رژیم اسلامی می پندشت که با

صفحه ۲

درباره بودجه سال ۷۸ و دعاوی آقای خاتمی

واقع موقفیت بزرگی است!! در توضیح یکی دیگر از خصوصیات بودجه، خاتمی چنین عنوان کرد که در تنظیم بودجه "کوشیده ایم تا افزایش عوارض و تعریف کالاهای خدمات دولتی (منظور افزایش قیمتها است!) به نزدیکی مصوب در قانون برنامه دوم محدود شود" وی حتی صحبت از "ثبت قیمت کالاهای اساسی که در سبده هزینه خانوار اثر دارد یا اثرات مستقیم و غیر مستقیم روانی و اجتماعی روی سایر مسائل میگارد" بیان آورد! و بالاخره جناب خاتمی چنین ادعا کرد که در تنظیم این بودجه، "تامین عدالت اجتماعی" و "رفع فقر و محرومیت" اولویت داده شده است!

صفحه ۴

روز یکشنبه هشتم آذرماه رئیس جمهوری اسلامی، لایحه بودجه سال ۷۸ را جهت بررسی و تصویب به مجلس ارتجاع ارائه کرد. مطابق این لایحه رقم کل بودجه سال آینده معادل ۲۷۴۹۳۵/۵ میلیارد ریال است که نسبت به رقم بودجه سال جاری از رشدی نزدیک به ۲۰ درصد (۱۹٪) برخوردار است. آقای خاتمی هنگام تشریف ویژگیهای بودجه، چنین ادعا کرد که بودجه سال آینده، بودجه ای است "متوازن" که بدون استقرار از بانک مرکزی تنظیم شده است و این موضوع را مهمترین شاخص بودجه خواند. او گفت "با همکاری صمیمه اعضای هیئت دولت، توانستیم بودجه ای را که یک ریال نیز استقرار از بانک نداشته باشد تنظیم کنیم که در

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۵) صفحه ۵

توجه

آدرس پست الکترونیک سازمان تغییر کرده است .

آدرس جدید را بخاطر بسپارید:
E-Mail: پست الکترونیک

info@fedaian - minority.org

آدرس صندوق پستی سازمان در سوئیڈ و سوئیس نیز تغییر کرده است.
در ضمن یک بار دیگر از همه کسانی که برای نشریه کار نامه می نویسند می خواهیم که نامه های خود را به آدرس های صفحه آخر نشریه کار ارسال کنند.

در این شماره

- موج حرکات اعتراضی نسبت به ترورهای اخیر
- پیام تشکیلات خارج از کشور سازمان
- یادداشت‌های سیاسی
- گزیده ای از نامه های رسیده
- اخباری از ایران
- اطلاعیه های سازمان

صفحه ۱۳

صفحه ۷

صفحه ۱۶

صفحه ۱۲

صفحه ۹

صفحات ۷، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۳

طبقه کارگر و آزادی های سیاسی

بعد، با اعتراضات و تظاهرات مستمر توانست بورژوازی را وادارد، که آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم را تا همین محدوده که امروز در دمکراسی پارلمانی فرانسه وجود دارد، برسیمیت بشناسد. در انگلستان نیز طبقه کارگر سالها مبارزه کرد تا اشراف و سرمایه داران را وادار به پذیرش حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی برای عموم مردم نمود. در دیگر کشورهای اروپایی نیز وضع بر همین منوال بوده است. طبقه کارگر در همه این کشورها، با اعتراض، تظاهرات، قیام و انقلاب توانست خواست های خود را در این زمینه بکرسي بشاند. در همه این کشورها، بورژوازی در آغاز بخش وسیعی از مردم را از آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک خود از جمله حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، محروم ساخته بود. لذا باید گفت انچه که امروزه مردم در کشورهای پیشتر یعنی شاهنشاهی های ایران هم از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. این حقیقترا در جریان مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی ایران دیدیم. رژیم شاه تنها هنگامی صدای انقلاب و خواست های مردم را شنید که طبقه کارگر ایران به مبارزه سیاسی علیه رژیم شاه برخاست. بدون این که طبقه کارگر بپای خیزد اصلاً "سرنگونی رژیم شاه امکان پذیر نبود. حالا هم روشن است که تحقق خواست های مردم و سرنگونی جمهوری اسلامی، بدون طبقه کارگر مطلقاً امکان پذیر نیست. نقش و اهمیت طبقه کارگر و مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران، تنها از زاویه توان و قدرت کمی و کیفی این طبقه و کارآئی اشکال مبارزه آن علیه ارتاج حاکم مطرح نیست. مهتر از آن این واقعیت است که از میان تمام طبقات و اقشار جامعه، طبقه کارگر پیکارگر ترین مبارزه آزادی است. طبقه کارگر خواهان کامل ترین، وسیع ترین و همه جانبی ترین از آزادی است. چرا که منافع شدن در این است. هر چهاردهی سیاسی گسترده تر، وسیعتر، کاملتر و همه جانبی تر باشند، طبقه کارگر بهتر و سریعتر میتواند مشتمل و آگاه شود، و زودتر و بهتر می تواند به هدف نهائی خود که همانا بر انداختن نظام طبقاتی موجود و ایجاد جامعه ای بدون طبقات و استثمار است، دست یابد. حال آنکه منافع تمام طبقات و اقتدار دیگر جامعه حتی دمکرات ترین بخش آن، محدود کردن این آزادی ها به درجات مختلف و به نحوی از انحصار است. آنها که مدافعان مالکیت خصوصی و حفظ نظام سرمایه داری هستند، وحشت دارند از این که طبقه کارگر از آزادی کامل و همه جانبی در راه هدف اساسی خود استفاده کند و این نظام را براندازد. لذا بدیهی است که طبقه کارگر پیکارگر ترین و جدی ترین مبارزه آزادی باشد، از آزادی های سیاسی در کامل ترین و پیکارگر ترین شکل آن دفاع کند و به منظور تحقق آن پیکارگانه برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه نماید. طبقه کارگر هنوز به مبارزه سیاسی علیه رژیم دست نزدیک دست نداده است. طبقه کارگر می داند که نمی تواند مطالبات اجتماعی و سیاسی خود را از رژیم و با التماش و درخواست از این یا آن جناح طلب کند. طبقه کارگر به تجربه این حقیقت را دریافت است که آزادی را باید با مبارزه و جنگ در خیابان بدست آورد. لذا هنگامیکه بپای خیزد نبرد سرنوشت سازی را آغاز خواهد کرد. این آزادیخواهی طبقه کارگر که میخواهد آزادی را با نبرد و مبارزه بdest آورد، اساساً "متفاوت از باصطلاح آزادی خواهی کسانی است که آزادی را از حکومت اسلامی طلب می کنند. دینائی تقاضات میان آزادی خواهی راستین و سترگ کارگر با آزادی خواهی دروغین و قلابی کسانی وجود دارد که امروز سهل آزادی

های درونی رژیم و عوامل دیگری که به آن اشاره شد، هنوز به این معنا نیست که جنبش به مرحله‌ی رسیده که مردم بتوانند خواسته‌ی خود را بکرسی بنشانند. جنبش آزادی خواهانه و عمومی مردم ایران در این مرحله هنوز بسیار ضعیف است و پیشرفتها و دست آورده‌ای آن ناچیز می‌باشد. علت آن نیز در این واقعیت نهفته است که هنوز توده مردم، کارگران و زحمتکشان به یک جنبش سیاسی علیه و مستقیم روحی نیاورده‌اند از همین رو جنبش ضعیف تر از آن است که بتواند ضربه‌ی اجی و قطعی بر رژیم وارد آورد. نیروهای فعال جنبش سیاسی در لحظه کنونی عمدتاً دانشجویان و دیگر نیروهای روشنگری هستند که بخشا نیز خواهان یک تحول رادیکال نیستند. لذا ضعف جنبش کاملاً محسوس است. این نیروی فعلای نه نیرو وقدرت لازم برای رویاروئی با قدرت حاکم را دارد و نه نیروی پیگرد تحویل است. حتی اگر خواست و مطالبات توده های مردم ایران صرفاً به مطالبات آزادی خواهانه تقلیل داده شود، با نیروی فعلای جنبش سیاسی موجود، این مطالبات تحقق خواهد یافتو و اگر دست آورده هم وجود داشته باشد بسیار جزئی و ناپایدار خواهد بود. تحول جدی اوپایع در جهت تحقق خواسته‌ی توده مردم از جمله آزادیهای سیاسی هنگامی بوقوع خواهد پیوست که کارگران و زحمتکشان به عرصه مبارزه مستقیم وارد شوند و جنبش بمراحله کیفی جدیدی ارثیابد. این مسئله از چند جهت حائز اهمیت است. نخست این که تنها ورود طبقه کارگر بعرصه مبارزه سیاسی رو در رو و مستقیم با رژیم میتواند توانی موجود را بشکلی قطعی به نفع جنبش انقلابی توده مردم تغییر دهد. این حققت باید برهمگان روشن باشد که جمهوری اسلامی نه تسليم خواسته‌ای مردم خواهد شد، نه کنترل خواهه‌رفتو نه خود بخود سرنگون خواهد شد. این رژیم تا آخرین لحظات حیات خود با استفاده از تمامی ابزارهای قهر و سرکوبیاز موجودیت خود دفاع خواهد کرد. لذا برانداختن آن، نیرو می خواهد. آنهم نیروئی که آنقدر توان و قدرت داشته باشد که بتواند در جریان یک جنگ خونین و بیرحمانه ای که ارتجاع تحمیل خواهد کرد، مقاومت آن را هم بشکند. تنها طبقه کارگر ایران است که از چنین قدرت و توانی بخوددار می باشد و می تواند از پس این مبارزه برأی. درست است که در ایران برای شکست و سرنگونی رژیم بغايت ضد دمکراتیک و سرکوبگر، نقش طبقه کارگرداریان مبارزه با بر جستگی بیشتری خود را نشان می دهد. اما این مسئله تها مختص ایران نیست و در تمام جهان طبقه کارگر نقش تعیین کننده در کسب آزادی های سیاسی داشته است. تاریخ تمام جهان در قرون جدید گواهی می دهد که کسب آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم، میتوان مبارزه طبقه کارگر را ایجاد کرد. اگر کسانی که کعبه آمال شان دمکراتیک را بتوانند تهییت کنند. حتی هنگامیکه شکل گیری این دمکراتی موجود است، به می باند که طبقه کارگر با مبارزه آزادی را به مردم سیاسی را بdest آوردو کسی این آزادی را به مردم نداند. اما بطریقی بسیار می تواند هنوز نیروی امنتی بود، نه دفاع پیگیر آزادیهای سیاسی بود و نه حاضر بود آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم را بطور کامل برسمیت بشناسد. انقلاب کبیر فرانسه که رایکال ترین انقلاب بورژوازی جهان تحت رهبری بورژوازی بود، با فشار طبقه کارگر نویای آن دوران و توده های تهییت به جلو سوق داده شدو ببورژوازی فرانسه زیر این فشار، در محدوده‌ی بسط آزادیها را پذیرفت. اما ببورژوازی دوباره در اویین فقرصت این آزادی ها را محدود نمود. طبقه کارگر فرانسه در جریان یکرشته مبارزات و انقلابات در

این ترورهای وحشیانه، مخالفین مرعوب و جور عرب و وحشت بر جامعه حاکم خواهد شد، اما نتیجه ای معکوس گرفت. این ترورها، طوفانی از اعتراض و نفرت نسبت به حکومت اسلامی بر انجیخت. اعتراضات داخلی به همراه اعتراضات و مبارزات ایرانیان خارج از کشور و نیز اعتراض مجامع و سازمانهای بین المللی دمکرات، انساندوست و دفاع حقوق بشر، رژیم را در موضوعی تدافعی قرارداد. سران رژیم که خود سازمان دهنده و طراح این ترورها بودند، همه مجبور شدند علناً این ترورها را محکوم کنند و البته آن را به عوامل موهوم ماوراً مزدهای ایران نسبت دادند. اما مردم که دیگر رژیم را خوب می‌شناسند، همه انگشت اتهام را به سوی خود این رژیم نشاند گرفتند. در داخل ایران نه تنها کسی از این اقدامات وحشیانه جوخه‌های مرگ مرعوب شد، بلکه اعتراضات شکلی علی‌تر و گسترده‌تر بخود گرفت. گروه کثیری از مردم در مراسم خلاصه‌پاری قبادیان ترور حکومت اسلامی شرکت نمودند. برغم تلاش عوامل سازشکار که کوشیدند از طرح شعارهای خند دولتی جلوگیری کنند و مانع از تبدیل مراسم به یک تظاهرات ضد دولتی شوند، لااقل در یک مورد گروهی از نیروهای رادیکال جنبش، تظاهرات جداگانه ای علیه رژیم سازمان دادند. شعار مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی را مطرح کردند، با نیروهای سرکوب در گیر شدند. نویسنده‌گان برغم این که گرایشات سیاسی متفاوتی دارند و بعضی نیز هنوز در مورد خاتمی توهمند پراکنی که کنند، فعالیت‌ها و اقدامات خود را برای تحقق خواسته‌ای شان تشدید نمودند. دانشجویان دانشگاه‌ها نیز همچنان به مبارزات و اعتراضات خود ادامه دادند.

در خارج از کشور، اقدامات اعتراضی ایرانیان علیه رژیم دامنه وسیع‌تری بخود گرفت. گردهم آئی‌ها و تظاهرات بزرگ و متعددی در چندین کشور جهان سازمان داده شد. چنین اعتراض گستردۀ ای در ساله‌ای آخر کم ساققه بود. شرکت کنندگان در این اقدامات اعتراضی اغلب کسانی بودند که درگذشته تمایلی به مبارزه سیاسی علیه رژیم از خود نشان نمی‌دادند. حضور این افراد در اعتراضات سیاسی اخیر را نمی‌توان به چیز دیگری جز بازتاب رشد و اعتعلّ جنبش اعتراضی توجه های مردم در داخل ایران نسبت داد. تغییر دیگری نیز در جریان این مبارزات محسوس بود. رادیکال ترین شعارها با استقبال عمومی روپرور بود. تلاش چندین ساله استحاله چیان و لیرال - رفرمیستها یک روزه نقش برآب شد. شعارهای رفرمیستی امثال طرد ولایت فقیه و تائید مستقیم و غیر مستقیم یک جناب از حاکمیت در این تجمع ها و تظاهرات اعتراضی جائی نداشت. شعار اصلی در همه جا "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" بود. این جنبش رادیکال، دریکی از این گردهم آئی‌ها حتی یکی از مرتعجین طرفدار خاتمی را واداشت که شعار مرگ بر جمهوری اسلامی

رشد جنبش اعتراضی مردم ایران در داخل و خارج از کشور و رادیکال شدن روز افزون آن در پی ترورهای اخیر رژیم، حاکی از این واقعیت است که نارضایتی تودهای ازوضم موجود تا به آن حد رسید کرده و بحران سیاسی به مرحله‌ای رسیده است که تاکتیک تشدید سرکوب رژیم برای مهار جنبش دیگر کارساز نیست. ترورهای وحشیانه رژیم نه تنها مردم را مرعوب نکرد بلکه به اعتلاً بیشتر جنبش و رادیکال ترشدن آن انجامید. ترورهای اخیر نه به تحکیم قدرت جمهوری اسلامی بلکه به تضعیف بیشتر آن انجامید. معهداً تضعیف روز افزون رژیم، نارضایتی مردم ازوضم موجود، اختلافات و شکاف

کرد به گفتار خود لحنی جدی و تهدید آمیز ببخشد! اما برغم این لفاظی ها، اصل قضایا درسکوت تائید آمیز برگزارشد. وقتی کایشان روز ۱۶ آذر در جمع دانشجویان میگفت، "من اجازه برخورد با مطبوعات در خارج از چار چوب قانون خواهم داد" و ضمن محکوم کردن قتل فروهرها، تاکید کرد که "در ریشه یابی قتل ها تا آخر جلو خواهم رفت و با هیچ فردی روبرو باشیم!" مسببن و مرتكبین جنایات یادشده، سرگرم تدارک و اجرای قتل های ییگان بودند. ۱۸ آذر جسد محمد مختاری و چهار روز بعد (۲۲) جسد عضو دیگر کانون نویسندها ایران، محمد جعفر پوینده که روز ۱۹ آذر ربوته شده بود، پیدا شد! آن شمشیر کجاست؟! کسی پاسخ نمی دهد! آقای خاتمی هم که علی الظاهر تهدید کرده بوده بود خوشی نمی کند، اما این خود، شوخی ای بیش نبود و آن تهدید هم توخلای!

بی جربگی آقای رئیس جمهور در نزد علاوه مدنان و حامیانش، اتفاق روى چشم میزند که حتی برنامه ریزی ضد انقلاب فرهنگی و بیش برند هر ارتقاء اسلامی در دانشگاه آقای سروش هم صدایش از دست خاتمی به هوا می بروند و در نهایت به "سردار شرمندگی" (۴) سعی میکنند رئیس جمهور اسلامی را به "قضای سرب آلو" جامعه توجه بدهد و جمهوری حاکم را "مپراطوری قلم سنتیزان" که جامعه را گرفتار، "استبداد دینی" نموده اند، می خواند و به جناب خاتمی گوش زدمیکند که دیگر زمان حرف و لبخندزدن تمام شده است و خلاصه ازاو طلب حرکتی می کند! خاتمی اما بیش از این نبودنیست. خاتمی رئیس قوه مجریه حکومت اسلامی و بدون قدرت اجرائی است که از دولت، تنها صاحب کاینده است. از خاتمی سوای اینکه خود همچون آقای سروش مدافعانه حکومت مذهبی و لاجرم مدافعانه استبداد است، کاری ساخته نیست. حزب خاتمی، حزب نقط و خطابه، حزب حرف است. جناح مقابل اما حزب عمل است. دولت بمعنای دقیق کلمه در دست این جناح است. این مسئله کاملاً ممکن و قابل پیش بینی است که متوجهین به خاتمی و کسانی که خاتمی را در ذهن خود به عرض اعلاه بردند و به معجزات او دل خوش داشتند، وقتی دیدند درست در اوضاع و احوالی که وی را به معجزه نمائی فرامیخواهد، از او هیچ معجزه ای ساخته نیست و مهره ای عادی از کار در آمده است، به سختی مایوس و نالمید شده باشند و خاتمی در نزد و در ذهن آنها "افول" کرده باشد، اما این هیچ ربطی به خاتمی ندارد. خاتمی بیش از این نبودو از ابتدا هم معجزه ای ازاو ساخته نبود.

خاتمی از همان لحظه ای که پای رژیم ولایت فقیه و قانون اساسی را امضای کرده بود و از همان لحظه ای که حکم ریاست جمهوری خود را از دست دست و لی فقیه گرفته بود، حکم بی نقشی خود را نیز امضای کرده بود. و اما در مذاقه و اختلاف جناح های حکومتی برسر قدرت، نکته قابل توجه فقط این نیست که جناح خاتمی ایزدی، مداوماً جریان خاتمی را عقب رانده و جریان اخیر بنا به توان کمی و کیفی و بنا به منافع استراتژیک خود، ضمن عقب نشینی، بر طبل تقاضم و سازش نمی کوبد تا مجموعه حکومت ارتقاء اسلامی محافظت شود. مسئله این است که ارتقاء حاکم هر چقدر به مرافق پایانی شبه بیان خود تزدیک ترمی شود، برای نجات خود، به همان نسبت به سرکوب و خفغان بیشتر نیز متولسل می شود. وقتیکه "نایاب امام زمان" که نهاد قبیل قداستی و پلحاک مذهبی اتوریتاتی داشت و نه توافق نداشت ظرف این سالها، ایجاد اتوریتate و قداست کند که در ا محل قداست "امام زمان" و اتوریتate مذهب هم مساعدت نمود، ارتقاء اسلامی یگانه را حفظ و نجات حکومت الله را در سرکوب و خفغان باز هم بیشتر و در مراجعته به تفکی و سرنیزه دید. ارتقاء مسلط با به اجرأ درآوردن نقشه ها و عده های فرمانده سپاه و فرمانده فرمانده سپاه، ۱۱

بود، در بین زدن "ضیافت شیطان" (۲) کم ترین تردیدی بخود راه داد. فدائیان رهبر، فدائیان اسلام، انصار حزب الله، جمعیت موتلفه، جمعیت ایثارگران و سایر جمعیت های مشابه آن، این بار در تشکیل جدیدی بنام "فدائیان اسلام ناب محمدی پیرو نواب صفوی" یا حمله به مینی بوس حامل "مهمازنی" که

وقتی که سازمان دهنگان قتل و توطئه،

فرمان قتل توطئه را صادر می کند!

با استیضاح و برکناری وزیر کشور خاتمی و حمله به مطبوعات و روزنامه هایی که به نحوی از خاتمی حمایت میکردند، تداوم بخشید. همین کارفسنجانی متوجه شد ضربتی را که جناح خامنه ای بزندی بر شهردار تهران وارد ساخته است دارد بهاو هم اصابت که این جناح پای دستگیری کسانی را که به "گردش گران" امریکائی حمله کرده بودند بیان کشید و خواست از این طریق شبه ضد حمله ای را به جناح مقابل سازمانده، مهاجمین و حامیان آنها نیز ضممن آنکه این حرکت دولت را "شیخون سیاسی" (۳) خواندند، با گفتن اینکه کسانی که "جاسوسان امریکائی" را دعوت کرده اند بایستی دستگیر شوند، نیز جناح مسلط حکومتی، بلوک حامی خاتمی را به آنان پاسخ گفتند. از پی آن، طبق روال در شهرهای قم، مشهد، اصفهان و سایر شهرها تظاهراتی در محکومیت اقدامات دولت خاتمی برپا گردید و مستقیماً به شخصی نیز حمله شدوحتی دیوار واحد سیاسی "جمعیت موتلفه اسلامی" در مقاله ای تحت عنوان "آن شمشیر کجاست؟!" (۴) نوشت "یک هیئت مشکوک امریکائی به تهران می آید . . . اعضاء این هیئت با برخی مقامات ملاقات می کنند و وقتی افشا می شوند . . . و گوش ای از آن شمشیر نشان داده می شود پایه فرار می کنارند!"

با این همه آقای رئیس جمهور و حامیانش دنبال مسببن حادثه میگردند و پیرامون آن به بحث و محاکمه مشغول می شوندو در اطراف آن حرف میزنند. در اینجا نیز جناح خامنه ای بزندی، نه فقط بلوک حامی خاتمی را عقب راند، بلکه توانت "کارگزاران سازندگی" را نیز از این بلوک جدا کرد. چرخش حکومتی هم برآن صریح شده بود اعلام کردند. در اینجا نیز جناح خامنه ای بزندی آن به زیر بال جناح مسلط، نه فقط دور از انتظار سایر حامیان خاتمی بود که تعجب و شگفتی آنان را نیز برانگشت تا بعدتر در نهایت به لقب "تجدید نظر طلب" (۵) ملقب گردند. هر چند کاین موضوع چندان هم جای تجنبی نداشت چرا که افسار کارگزاران سازندگی دست رفسنجانی بودو سردار سازندگی، خود خیلی زودتر از این ها به مسئله در هر حال موجبات تضعیف باز هم بیشتر حامیان آقای خاتمی و شخص رئیس جمهور شد.

وقتی که رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران دست نشانده خامنه ای و به اشاره ها و شمشیر از نیام بر کشید و عربده کشان نفس کش طلبید و بریند نیز در نقط شدید الحنفی علیه نویسندها کشان و گردند را وعده داد و کمی بعد از آن خود خامنه ای مزدور مسموم که "او اوضاع مطلوب" را در گرگونه جلوه می دهد و "طوری حرف میزند که مخالف روش نشکری و قشرهای آگاه تر مردم نسبت به این قتل ها و این ربایی ها ابراز اعتراض و تارضایی میکنند و دریک کلام آحاد جامعه، نه فقط قاتلین و سازمان دهنگان قتل، کریس قوه مجریه هم سکوت میکند. دوازدهم آذرماه، محمد مختاری یکی از فعالین بر جسته کانون نویسندها ایران تا پایید میشود، مطلع از این توافت را سازمان حزب خویش "حزب مشارک ایران اسلامی" (۵) است، میشنود که گردن فروهرها را بریده اند! آن شمشیر کجاست؟ چه کسانی این توافته را سازمان داده اند؟ کسی به این سؤوال که همه جو ایشان میدانند پاسخ نمی دهد. نه فقط قاتلین و سازمان دهنگان قتل، کریس قوه مجریه هم سکوت میکند. بعدتر در نهایت به لقب "تجدید نظر طلب" (۵) ملقب گردند. هر چند کاین موضوع چندان هم جای تجنبی نداشت چرا که افسار کارگزاران سازندگی دست رفسنجانی بودو سردار سازندگی، خود خیلی زودتر از این ها به مسئله در هر حال موجبات تضعیف باز هم بیشتر حامیان آقای خاتمی و شخص رئیس جمهور شد.

وقتی که رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران در چندان و شکنجه نویسندها و روزنامه نگاران پرداخت جناح خامنه ای - بزندی و دستگاه امنیتی، حامیان خاتمی جزئی نق و حرفا های کلی در مزمات این تحرکات، چیزی ندارند که بگویند. مجمع روحا نیون مبارز که اصلی ترین جریان حامی خاتمی است با صدور بیانیه ای حمله به گروه "گردشگران خارجی" را موجب "وهن" به ملت میخواهد که به سیاستهای دولت، اطمده وارد میساز، و از "دلسوزان نظام" میخواهد تا خاتمی را برای گذار از دوره حساس کنونی کمک کنند. این ترین جریان حامی خاتمی است با صدور بیانیه ای حمله به گروه "گردشگران خارجی" را موجب "شومی" می خواند که عوامل آن "جز ضربه زدن به فضای محدود پیدا آمده در کشور، انگیزه دیگری ندارد". آقای خاتمی نیز به این اکتفا کرد که بکوید "اجازه قانون شکنی و رفتارهای دون شان ملت" را به کسی نمیدهم و البته با گفتن اینکه "شوخی نمیکنم" سعی برآن نظارت دارد، از ورود این هیئت نیز با خبر

درباره بودجه سال ۷۸ و دعاوی آقای خاتمی

برابر شدن قیمت بینزین را آنهم با توجیهات که شده و تحت عنوانی شناخته شده ای چون "صرفه جوئی" و "منظقه کردن سوخت" و امثال آن نیز پیشنهاد می کند! تو گوئی خدمات دولتی، سوخت و سایر فراورده های نفتی، برق، آب و امثال اینها که هرساله دولت قیمت آنها را سپاه بالا میرد و قیمت ها عملاً بسیار فراتر از نرخهای اعلام شده افزایش پیدا میکند، کمالاً های ضروری و اساسی ییستند و افزایش قیمت اینها بر قیمت سایر کالاهای پوشاش و مسکن و دارو گرفته تا اجره خانه مواد غذائی تاثیر نمیکارد؟! تو گوئی افزایش قیمت بینزین و چند برابر شدن آن، تاثیرات روانی مستیم و غیر مستقیم در سایر عرصه ها باقی نمیکارد و موجب افزایش کرایه حمل و نقل، افزایش قیمت لاستیک، فیلتر و سایر لوازم بدکی نهی شود و همه اینها به افزایش مجدد و تصاعدی قیمت سایر کالاهای منجر نمی شود؟! این صحبت ها و طرح های زمانی بمعیان کشیده میشود که مردم ایران در دوره ریاست جمهوری اکبر فرسنجانی بارها آنرا شنیده و تجربه کرده اند بویژه اثرات مخرب و تورمی آنرا با گوشت و پوست خود لمس کرده اند. از مینی روحمن هست که اظهارات عوامگیریانه و درعین حال کوکانه آقای خاتمی نه فقط کسی را قانع و راضی نمی کند و نارضایتی و اعتراض مردم را شدت می بخشند، چه بسا موجبات اعتراض و ناایلواری هدستان خود ایشان در مجلس و بیرون آنرا نیز فراهم میسازد. در هر حال این موضوع از روز هم روشن تر است که افزایش قیمت کالاهای خدمات دولتی اولاً "سرعت به سایر کالاهای خدمات تعیین خواهد یافت، دوماً از محدوده نرخهای تعیین شده بسیار فراتر خواهد رفت و درواقع هم معنای این اقدام نه ثبتیت قیمتها، که صدور جواز رسمی برای افزایش سراسمان آور قیمتها و افزایش افسار کشیده نرخ تورم است. به عبارت دیگر بودجه آقایان برای سال ۷۸ برمبنای تشید فشاربر کارگران و حرمکشاں، برمبنای تنزل باز هم بیشتر سطح زندگی و معیشت مزد بگیران و تهیستان و در یک کلام بر مبنای فقر، فلاکت و محرومیت افزون تر آنها تنظیم شده است. واما مضمون ترین ادعای آقای خاتمی، آن چیزی است که درعین حال به عنوان مهمترین شاخص بودجه مطرح شده است. جناب خاتمی ادعا و دروغ سلف مفترض شده پیشین خود هاشمی رفسنجانی را تکرار کرده است. خاتمی این طور ادعا کرد که بودجه سال آینده بخوبی تنظیم شده است که دولت حتی یکریال هم به بانک مرکزی مقروض نشود! و این مستله را البته از آنجا که نمیتوانست پدیده ای بسیابقه و امری که برای اولین بار اتفاق می افتد، قلمداد کند، چرا که این الفاظ قبل از توسط رفسنجانی استفاده شده بودو تکرار همان اصطلاحات دیگر خیلی بی مزه می شد، اما آن را "موفقیت بزرگی" بشمار اورد! اگر آقای رئیس جمهوری دچار بیماری فراموشی شنیده باشد، بایستی بخارط بیاورد که همین چند ماه پیش بود که کایندهش لایحه ای را برای جرban کسری بودجه ۲۵۰ درصدی به مجلس برد تا بتواند لاقل حقوق مهرماه کارمندان را بپردازد! ایشان گویا هم اعتراض رئیس سازمان بنزانه و بودجه و کسری ۱۸۹۳۶ میلیارد ریالی بودجه و هم روی اوری دولت با استقرار خارجی، استقرار از بانک مرکزی را به مجلس برد و در آنجا به تصویب رساند، بکلی از یار بوده است! سوال این است که دولتی که با آن همه سراسیمکی لایحه استقرار از بانک مرکزی را به مجلس برد و در آنجا به تصویب رساند، دولتی که به ورشکستگی مالی و اقتصادی اعتراض کرده است آیا هم اکنون از موتعیت بهتری برخوردار شده است که چنین ادعایی را مطرح میکند که حتی یک ریال هم به بانک مقروض نیست؟ آیا رقم ۶۰۰۰ میلیارد ریالی استقرار از بانک مرکزی برای چند

اعلام کرد و از آنان خواسته است تا با بکارانداختن سرمایه های خود، به باری وی بنشتابند! همان مبالغ ناچیز قبلی را نیز نمیخواهد بپردازند و خواهان بشودگی مالیاتها هستند. در همین رابطه است که رئیس کل بانک مرکزی نیز برای تامین امنیت بیشتر سرمایه و ترغیب سرمایه داران به سرمایه گذاری، بازنگری قوانین مالیات هارا ضروری شمرده است. همچنین شرکت ها و موسسات اقتصادی دولتی یا وابسته بآن و نیز بسیاری از مراکز بزرگ اقتصادی وابسته به سایر نهاد های حکومتی نظیر بنیاد مستضعفان، بنیاد ۱۵ خرداد و امثال آن نیز همگی از پرداخت مالیات معافند! میماند مالیات بر صادرات غیر نقی نیز. مالیات بر صادرات غیر نقی اگرچه میتواند منبعی برای درآمد های دولت باشد، اما این نوع مالیات اولاً^۱ بدلیل سیاست های ارزی رژیم دائمه در حال تغییر و نوسان است و ثانیاً خود تابعی از تولیدات داخلی است که عجالتاً به رکود کشیده شده و در کوتاه مدت چشم انداز یک رونق اقتصادی هم دیده نمی شود. خود رژیم هم می داند که در چنین اوضاع و احوالی و با کاهش صادرات، نمی تواند حسابی روی این بخش از مالیات ها باز کند. بینا براین تا آنجا که به طبقه مسلط و استثمارگر، موسسات مالی و اقتصادی تصاحب شده بوسیله این طبقه بر میگردد، چیزی از این ناحیه بستگاه دولت چه در معنای وسیع کلمه که خود پاسدار منافع همین طبقه است و چه بمعنای کاینده آقای خاتمی که خود حجزئی از همین دستگاه است، نمی مسد! میماند طبقه کثیر العده ای که توسط سرمایه بانقياد کشیده شده و تحت ساخت ترین شرایطی استثمار می شود. در آمد های مالیاتی اساساً این جاست که بایستی تامین شود و دولت به دو شکل اثر اعمالی میکند. یکی از طریق کسر مستقیم مالیات از دستمزد کارگران و حقوق کارمندان و یکی هم از طریق مالیات های غیر مستقیم یعنی پیشتن عوارض بر کالاهای خدمات اساسی که مصرف کنندگان آن و در نتیجه پرداخت کنندگان مالیات، اساساً همان کارگران و زحمتکشانند. روی این دو مبنی و این بخش از درآمدهای مالیاتی است که دولت بطور واقعی حساب باز کرده است و نه فقط از قبل برای آن برنامه ریزی شده و با افزایش ۲۵ درصد بر بیان کالاهای و خدمات دولتی به مرحله اجرا درمی آید. آقای رئیس جمهور هنگام توضیح و تشریح بودجه گفتند اند که ایشان و اعضای هیئت دولتشان کوشیده اند که افزایش عوارض و تعرفه کالاهای و خدمات دولتی به نزد های مصوب در قانون برنامه دوم محدود شود! یعنی بر قیمت ها رسماً به همان میزان ۲۵ درصد اول سال جدید (۷۸) اضافه شود! البته این کوشش آقای رئیس جمهور است تا چه بیش آید و خدا چه بخواهد؟ در تمام سالهای حکومت ارتاج اسلامی بیویژه در یک دهه اخیر، کارگران و عموم تقدیر های زحمتکش مردم شاهد بوده اند که افزایش قیمت کالاهای و خدمات دولتی، به چه سرعتی روی افزایش سرسام آور سایر کالاهای تاثیر گذاشته است و در عمل قیمت ها نه ۲۵ درصد که خود این رقم زیادی است، بلکه به میزان دو، سه و چهار برابر آن افزایش یافته است. آقای خاتمی با عوام فربی خاص رئیس جمهوری حکومت اسلامی، مانند سلف خود تشدید فشار برگردان کارگران و زحمتکشان را شکارا توجیه می کند و پشت هم دروغ می کوید. وی در حالیکه ادعا میکند میخواهد قیمت کالاهای اساسی و یا کالاهای را که اثرات مستقیم و غیر مستقیم روانی و اجتماعی بر جای می گذارد، ثبت کند! اند فقط افزایش سالهای گذشته بشارت میدهد، بلکه چند را بیزار سالهای گذشته بشارت میدهد، بلکه چند

تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۳۵)

دوران انترناسیونال دوم

بازتاب و تاثیرات بین المللی انقلاب روسیه

پس از آغاز انقلاب در روسیه، ۲۰۰ هزار کارگر معدن روهردر فوریه دست به اعتساب زدند. کارگران خواستار افزایش دستمزد، کاهش ساعت کار و برخی مطالبات آزادیخواهانه بودند. دریی این اعتساب، صدها هزار تن از کارگران آلمان با پریائی اعتسابات و تظاهرات، خواهان برافتادن محدودیت های سیستم انتخاباتی شدند. در ژانویه ۱۹۰۶، ۸۰ هزار کارگر در هامبورگ دست به یک اعتساب عمومی سیاسی زدند. این اعتساب سیاسی که همراه با تظاهرات بود بدگیری با نیروهای نظامی انجامید. اعتسابات و تظاهرات دیگر نیز در ایالات مختلف آلمان بوقوع پیوست. در همان زمان که کارگران در معدن روهر آلمان به اعتساب متول شدند، ۸۰۰۰ کارگر معادن بلژیک نیز بعنوان همبستگی با کارگران آلمانی دست به اعتساب زدند. کارگران بلژیک در ۱۹۰۶ نیز نمونه دیگری از همبستگی کارگری را پیمایش گذاشتند و یک اعتساب گسترشده به حمایت و پشتیبانی از کارگران نساجی و رویه بر خاستند که با خطر اخراج روپرتو شده بودند. این اعتساب، کارفرمایان را مجبور به انعقاد قرارداد دسته جمعی نمود. (۶۵)

در فرانسه، جنبش کارگری در ۱۹۰۶ با یک اعتلا گسترشده روپرتو شد. کشتمر ۱۲۰۰ تن از کارگران معادن که زیرآوارانشی از فروپختن معدن دفن شدند، خشم و اعتراض کارگران را برانگیخت. ۶۰ هزار تن از معدن چیان معادن پادوکاله، اعتسابی را آغاز نمودند که در ماه ۵۲ روز از مارس تا ماه مهادمه یافت. این اعتساب مورد حمایت و پشتیبانی کارگران سراسر فرانسه قرار گرفت. کارگران چاپخانهها با مستخدمین پست نیز دست به اعتساب زدند. در اوائل ماه یک اعتساب عمومی توسط کارگران پریا گردید که تنها در پاریس متداور از ۲۰۰ هزار کارگر در آن شرکت داشتند. حکومت فرانسه که از ابعاد این اعتساب وحشت زده شده بود، نیروهای نظامی را وارد عرصه کرد و مراکز استراتژیک باداشغال نیروهای نظامی در آمد. گروه کثیری از کارگران از جمله رهبران CGT دستگیر و روانه زندان شدند.

اعتصابات مشابهی در کشورهای دیگر رواپا صورت گرفت. مجموعاً در این دوره سه ساله ۱۹۰۵-۷ به استثنای روسیه در ۹ کشور اروپائی، کنادا، ایالات متحده و ژاپن ۳۴ هزار مورد اعتساب بوقوع پیوست و ۵/۴ میلیون کارگر در اعتساب شرکت نمودند که در مقایسه با سه سال قبل از آن یک رشد ۵۰٪ درصدی را نشان میداد. (۶۶) در همین مدت نیز تعداد اعضاء احزاب سوسیالیست و اتحادیه های کارگری رشد قابل ملاحظه ای یافت. تعداد اعضاء اتحادیه های کارگری ۱۲ کشوارسرمایه داری از ۷/۶ میلیون به ۱۰/۴۴ میلیون رسید یعنی در همین مدت کوتاه سه ساله، تعداد اعضاء اتحادیه های بیش از ۳۷ درصد افزایش یافت. انقلاب کارگران روسیه، درسنهای ارزشمندی برای پرولتاریای جهانی بویژه در زمینه تاکتیکها داشت. کارگران روسیه بخلاف ادعای جناح راست سوسیال - رفرمیست انترناسیونال دوم، نشان دادند که اعتساب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه، تاکتیکهای موثری در مبارزه طبقه کارگر و کسب قدرت محسوب می شوند. کارگران کشوارهای اروپائی در جریان مبارزات خود در دوران مورد بحث، این درس و تجربه مبارزات کارگران روسیه را به خدمت گرفتند و در موارد متعدد به اعتساب عمومی سیاسی متول شدند. توسل کارگران به این تاکتیک موثر مبارزه در حالی انجام گرفت که بخش قابل ملاحظه ای از احزاب سوسیال دمکرات و رهبران اتحادیه های کارگری با آن مخالف بودند.

اغلب احزاب سوسیال دمکرات که به کارآرام قانونی و فعالیت پارلمانی ریستی خوکرته بودند، به چیزی فراتراز چارچوب نظم موجود فعالیت قانونی و ارام نمی اندیشیدند. از دیدگاه جناح راست و مرکز، قیام مسلحانه "یک دیوانگی محض" بود که ادعا میکردند توسل با آن در شان "ملت های متمدن" نیست. آنها می گفتند که دمکراسی پارلمانی، قیام مسلحانه را از و بی مصرف ساخته است. اما در مورد اعتساب عمومی سیاسی نیز هرچند که لفظاً آن را زیر فشار جنبش کارگری و جناح چپ می پذیرفتند، اما در عمل آن را نفی می کردند. در هر کجا که جناح راست کاملاً مسلط بود، اعتساب عمومی سیاسی حتی در حرف هم پذیرفته نشد. این تنها مختص احزاب سوسیال دمکرات نبود. آن دسته از اتحادیه های کارگری که جناح راست در رهبری آنها مسلط بود، به شدت با اعتساب عمومی سیاسی مخالفت می کردند. در آلمان، بوروکراتهای اتحادیه های کارگری تحت رهبری لژین کهوابسته به جناح برنشتیتسه حزب سوسیال دمکرات آلمان بودند، چنان مخالفتی با اعتساب عمومی سیاسی از خود نشان دادند که حتی بحث آنرا در درون اتحادیه ها منوع ساختند. آنها پا را از این حد نیز فراتراز نهادند و حزب سوسیال دمکرات آلمان را واداشتند که بکلی مسئله اعتساب عمومی سیاسی را کنار بگذارند. این امر بدنبال

انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، بازتاب گسترده ای بویژه در کشورهای سرمایه داری داشت. اخبار و گزارشات مربوط به این انقلاب، مدت‌ها در صدر گزارشات مطبوعات اروپائی قرار داشت. پرولتارهای جهانی که پیروزی های کارگران روسیه را جزئی از پیروزی خود می دانستند، با شور و اشتیاق جریان انقلاب، مبارزات شکوهمند کارگران روس و درس ها و تجارب این انقلاب را دنبال می کردند. در همه جا، میتینگ های همبستگی توسط کارگران و فعالین احزاب سوسیالیست تشکیل گردید. مهم ترین اتحادیه های کارگری و احزاب سوسیالیست بیانیه هایی در پشتیبانی و حمایت از کارگران روسیه صادر گردند و کمک های مالی قابل ملاحظه ای بر قربانیان سرکوب های تزاری و حمایت از کارگران اعتسابی جمع آوری و به روسیه ارسال شد. در فرانسه، CGT قادرند ترین اتحادیه کارگری، نقش فعالی در برپایی اکسیونهای پشتیبانی ایفا نمود. اتحادیه های کارگری پاریس دریک میتینگ با شکوه، پیروزیهای کارگران روسیه را جشن گرفتند. در این میتینگ، پیامی خطاب به کارگران روسیه صادر شد که در آن از جمله گفته شده بود: "قب و روح رحمتکشان پاریس، این شهر انقلاب با شمام است. روی کمک و حمایت ما حساب کنید. مرگ بر تزاریسم، مرگ بر استثمارگران، زنده باد انقلاب اجتماعی". (۶۲) کنگره موسس کارگران صنعتی جهان که در ماه ژوئن ۱۹۰۵ در آمریکا تشکیل گردید درقطعنامه خود با کارگران روسیه در مبارزه شان اعلام همبستگی نمود. در آلمان، اطربیش، انگلیس، بلژیک و تعدادی از کشورهای دیگر نیز اتحادیه و احزاب سوسیال دمکرات، پیام های مشابهی برای کارگران روسیه ارسال نمودند.

انقلاب روسیه که در آن پرولتاریا نقش عمده و رهبری کننده را بر عهده داشت، تاثیرات مهمی بر رشد و اعتلا جنبش جهانی کارگری بر جای نهاد. موج اعتسابات و تظاهرات کارگری، اغلب کشورهای اروپائی را فرا گرفت. در امپراتوری اطربیش - مجارستان، جنبش کارگری در اعتسابات و تظاهرات مرحله نوینی از اعتلا رسید. صدها هزار کارگر فلزدرا ۱۹۰۵ شرکت گردند. در ماه میتینگ، متباور از ۳۰ هزار کارگر فلزدرا بودا پیست اعتساباتی را آغاز نمودند که ۶ هفته به طول انجامید. در پی این اعتساب، تظاهرات و اعتسابات متعددی در ژوئن و ژوئنیه صورت گرفت که اغلب با زد خوردو درگیری با نیروهای نظامی همراه بود. در ادامه این مبارزات، در ماه سپتامبر، کارگران دست به یک اعتساب توده ای سیاسی زندن و مطالبه عده خود را حق رای قرار دادند. کارگران پرای نیز در ۱۰ اکتبر با همین مطالبات اعتساب در ژوئن نمودند. در ۳۱ اکتبر، وین شاهد پیکی از گسترش تظاهرات کارگری بود. دهها هزار کارگر برای کسب آزادیهای سیاسی دست به تظاهرات زدند. این تظاهرات که همراه با اعتسابات متعدد بود زمینه را برای برپایی یک اعتساب عمومی سیاسی هموار کرده بود. کارگران وین که کارآئی این شکل موثر مبارزه را در جریان انقلاب روسیه دیده بودند، آماده برپایی این اعتساب بودند، اما رهبران اپورتونیست حزب سوسیال دمکرات اطربیش که همانند تمام جریان های اپورتونیست - رفرمیست انترناسیونال دوم با اعتساب عمومی سیاسی مخالف بودند، مانع از آن می شدند که کارگران به این حربه موثر مبارزه دست یارند. معهداً هنگامی که دریافتند، کارگران مصمم اند دست به یک اعتساب عمومی سیاسی بزنند، با برپایی اعتساب موافقت کردند، اما آنرا به یک روز محدود ساختند، تا از این طریق مانع از ادامه اعتساب عمومی سیاسی گردند. با وجود تزلزلات رهبران راست سوسیال دمکراسی، کارگران به اعتسابات و تظاهرات ادامه دادند. نیروهای مسلح سرکوب در ماه نوامبر، تظاهرات مسالمت آمیز کارگران را به خون کشیدند اما این سرکوبگری و حشیانه نیز نتوانست اعتلا مبارزه کارگران را سد کند. اعتراضات و تظاهرات به سراسر اطربیش کشید. در ۲۸ نوامبر ۱۹۰۵ روزی که رایستاکاتریش گشایش می یافت متجاوز از ۲۵۰۰۰ دروین، ۱۵۰۰۰ تن در پرای و دهها هزار تن در شهرهای دیگر دست به تظاهرات ازدستند. (۶۴) این مبارزات که نیروی اصلی آن را کارگران چنان گسترش یافت که بالاخره امپراتور اطربیش ناگزیر شد در ۲۲ ژانویه ۱۹۰۷ قانونی را امضا کند که در آن حقوقی مخفی، مساوی و عمومی به رسمیت شناخته شده بود. اما برغم بررسیت شناخته شدن این حقوق دمکراتیک مردم، باز هم محدودیت های جدی داشت. از جمله این که حق رای عمومی تنها شامل مردان بود و زنان را در برابر نمی گرفت. این محدودیت و برخی محدودیت های دیگر با اعتراض کارگران روپرتو گردید. اما در این مقطع نیز رهبران جناح راست احزاب سوسیال دمکرات از اطربیش، مجارستان و چکسلواکی جلو مبارزات و ابتکارات انقلابی کارگران را سد نمودند. در آلمان نیز در طی این دوره مبارزات گستردگی در جریان بود. یکماه

بر پرولتاریاست ^۲ شوونیسم از نقطه نظر اهداف طبقاتی پرولتاریا و همبستگی بین المللی محاکوم شود ^۳ آموزش جوانان با روایت انتربنیونالیستی و سوسیالیستی انجام بگیرد تا طبقه حاکم نتواند از آنها علیه پرولتاریا استفاده کند ^۴ سوسیالیستها متعهد شوند که با تمام وسائل موجود مانع از برافروخته شدن جنگ‌ها شوند و از بحران ناشی از جنگ برای جلب توده هابه مبارزه و تسریع سرنگونی بورژوازی استفاده کنند.

سه پیشنهاد نخست صریحاً پذیرفته شد، اما پیشنهاد چهارم با مخالفت ببل روپرورد شد. لینین در توضیح این مسئله می‌نویسد: قطعنامه اول عبارتی کلی بود درمورد تبلیغ و اقدام انقلابی. هنگامی که قطعنامه اصلاحی ارائه شد، ببل خاطرنشان ساخت که آنرا نمی‌پذیرد چرا که در آنصورت دادستان کل، سازمانهای حزب را منحل خواهد ساخت. سرانجام بدل این که بیانی قانونی به همان ایده داده شود، فرمولی ارائه شد که ببل آن را پذیرفت. (۷۰)

بالاخره پس از یکرشته مشاجرات و اصلاحات، کنگره قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در مجموع موضعی انقلابی درقبال میلیتاریسم و جنگ بود. در این قطعنامه از جمله چنین گفته شده بود:

"کنگره قطعنامه‌های ضد میلیتاریسم و امپریالیسم را که در کنگره های پیشین بین الملل به تصویب رسیده بود، تائید می‌نماید و بار دیگر اعلام میدارد که مبارزه علیه میلیتاریسم نمیتواند از کل مبارزه طبقاتی سوسیالیستی جدا باشد. جنگ بین دولت‌های سرمایه داری معمولاً از مبارزه رقابتی آنها برای بازارهای جهانی ناشی می‌شود. زیرا هر یک از این دول کوشش میکند نه تنها بازارهای را که از قبل داشته است ثبت نماید، بلکه همچنین کوشش میکند بربازارهای جدیدی دست یابد و در این امرانقیاد خلق‌ها و کشورهای خارجی نقش عمده‌ای بازی می‌نماید. بعلاوه این جنگ‌ها از رقابت بی وقfe در تسليحات که خصوصیت ویژه میلیتاریسم بوده و ابزار عمدۀ سلطه طبقاتی بورژوازی و انقیاد اقتصادی و سیاسی طبقه کارگری باشند، ناشی می‌شوند."

تعصیبات ملی که بطور سیستماتیک در میان ملل متعدد به نفع طبقات حاکم به منظور منحرف ساختن توده‌های پرولتاریا از منافع طبقاتی خود و ظائف همبستگی بین المللی طبقاتی خود پرورش داده می‌شوند به پیشبرد جنگ کمک می‌نمایند.

از این رو جنگ‌ها بخشی از خود ماهیت سرمایه داری می‌باشد. آنها فقط هنگامی دیگر وجود نخواهند داشت که نظام سرمایه داری الغای شود. . . بداین دلیل، طبقه کارگر که قسمت اعظم سربازان ازصفوف آن بپرورون می‌ایند و متحمل خسارت‌های میگردد، دشمن طبیعی جنگ می‌باشد، زیرا جنگ با هدف او که ایجاد نظامی اقتصادی بر اساس سوسیالیستی به منظور ایجاد همبستگی بین تمام خلق‌ها می‌باشد، در تضاد است.

از این رو کنگره‌های طبقه کارگر، بخصوص نمایندگان آن در پارلمان، می‌داند که با تمام قدرت با تسليحات نیروی نظامی و دریائی مبارزه نموده و با نشان دادن ماهیت طبقاتی جامعه بورژوازی و انگیزه‌دارده اختلافات ملی مانع این تسليحات بشود، همچنین طبیعی وظیفه آنهاست که دقت کنند جوانان پرولتاریا را می‌پذیرند نیز بسط می‌کنند. این تصمیمات در تضیییق ایجاد و سرشار ازگاهی طبقاتی باشند.

کنگره سازمان دمکراتیک اشتراکی و چایگری از جناح راست خلقی بارتش دائمی را تضمینی برای غیر ممکن شدن جنگ‌ها و تسهیل غلبه بر اختلافات ملّ تلقی می‌نماید.

بین الملل قادر نیست اعمال ضد میلیتاریستی طبقه کارگر را در قالبی غیر قابل اعطا ببرید زیرا این اعمال بطور اجتناب ناپذیری بررسی شرایط مختلف کشورها، زمان و مکانهای مختلف تفاوت می‌نماید. اما وظیفه آن است که منتهای کوشش را برای هماهنگ ساختن و تقویت تلاشهای طبقه کارگر برای جلوگیری از جنگ بکار ببرد. "کنگره مطمئن است که تحت فشار پرولتاریاو بااستفاده جدی ازدادگاه های داوری، به جای اقدامات بسیار حیرانه ای که دولت‌ها اتخاذ می‌نمایند، تمام ملل از فوائد حاصله‌ای خلی سلاح مطمئناً برخوردار شده و قادر خواهند شد پول و انرژی عظیمی را که تسليحات نظامی و جنگ می‌لعد صرف امور فرهنگی نمایند.

اگر خطر آغاز جنگ وجود داشته باشد وظیفه طبقه کارگر نمایندگان پارلمانی آن درکشور مربوطه است که با کمک فعالیت نیروی بخش دفتر بین الملل (سوسیالیست)، با شیوه‌ای که آن را از همه شیوه‌ها موثرتر می‌دانند که طبیعتاً بنا بر تشدید مبارزه طبقاتی و وضعیت کلی سیاسی تفاوت می‌نماید از شروع جنگ جلو گیری نمایند.

اگر معهذا جنگ شروع شد وظیفه آنهاست که به نفع ختم سریع آن مداخله نموده و با تمام نیروی خود از بحران اقتصادی و سیاسی ناشی از جنگ برای بیدار کردن خلق‌ها و به این وسیله برای تسریع الغای سلطه طبقاتی سرمایه داری استفاده نمایند." (۷۱)

نقاط طلاقی بخش هایی از این تفاوت از آن رو ضروری است که بعداً خواهیم دید که بر سر همین مسئله اختلافاتی عظیم بروز میکند و اثربریت

پیدا شیش یک بحران در مناسبات حزب و اتحادیه‌ها بر سر همین مسئله اعتضاب عمومی سیاسی پیش آمد. رهبران اتحادیه‌های کارگری آلمان در اجلاس ماه مه ۱۹۰۵ در کلن، تلاش نمودند، ایده اعتضاب عمومی سیاسی را که در پی انقلاب روسیه، در میان کارگران رواج یافته بود، از کارگران هشدار دادند که در فکر چنین ایده هائی نباشدند. اما حزب سوسیال دمکرات آلمان در کنگره سپتامبر ۱۹۰۵ در بین اعتصاب عمومی سیاسی را در شکل محدود آن پذیرفت. یعنی اتخاذ این تاکتیک را تنها در شرایطی مجاز داشت که تعرضی از جانب طبقه حاکم بآزادیهای سیاسی و حقوقی صورت بگیرد. بوروکرات‌های اتحادیه‌های کارگری به شدت با این تصمیم مخالفت کردند و با تهدید و فشار خواستار کنار گذاردن این تصمیم شدند. اجلاس مشترکی از جانشینی اتحادیه‌ها تشکیل گردید. در این اجلاس، رهبری حزب تسلیم رهبران اتحادیه‌ها شد و مصوبه مربوط به اعتضاب عمومی سیاسی را کنار نهاد. این تعراضات جناح راست رفمیست درحالی انجام گرفت که قرار بود کنگره انتربنیونال در آلمان تشکیل شود.

کنگره اشتوتگارت

هفتمنی کنگره انتربنیونال دوم در فاصله زمانی ۱۸ تا ۲۴ اوت ۱۹۰۷ در اشتوتگارت برگزار شد. در این کنگره ۸۸۴ نماینده از ۲۵ کشور اروپائی، آسیائی، آمریکائی و استرالیا حضور داشتند که ۱۰ میلیون کارگر سازمان یافته‌را نماینده‌گی می‌کردند. (۶۷) بر طبق تصمیماتی که دفتر بین الملل سوسیالیست اتحادیه کارگر بود و به تائید کنگره نیز رسید، برای نخستین بار در کنگره اشتوتگارت، هیئت‌های نماینده‌گی هرکشور به حسب جمعیت، نقش جنبش طبقه کارگر، کمیت اتحادیه‌ها، نفوذ سیاسی احزاب و تعداد اعضای آنها، از تعداد آرای کمتر یا بیشتری برخوردار شدند. به عنوان نمونه به هیئت نماینده‌گی لوکزامبورگ ۲ رای و به چند کشور از جمله آلمان، روسیه، انگلیس ۲۰ رای اختصاص داده شد. علاوه برای و بوروی بین الملل تصمیم گرفته بود که تمام تشکلهای که با اصول اساسی سوسیالیسم موافق‌اند و برای اجتماعی کردن وسائل تولید، وحدت بین المللی طبقه کارگر و کسب قدرت عمومی توسعه پرولتاریایی مشکل در یک حزب سیاسی تلاش و مبارزه می‌کنند، حق شرکت در کنگره‌های انتربنیونال را دارند. این تصمیم به آنسته از اتحادیه‌های کارگر که اصل مبارزه طبقاتی و اقدام سیاسی از جمله اقدام پارلمانی را می‌پذیرند نیز بسط داده شد. این تصمیمات در مجموع موضع جناح راست انتربنیونال را تقویت می‌کرد، چرا که شروط مطرح شده، آن قدر کلی بود که می‌توانست همه جریانات راست را در بر بگیرد. نیز روی سلسه احزاب ایجاد کرد، اکثر ایزاین از اینها تعلق می‌گرفت، نیز روی سلسه احزاب ایجاد کرد، اکثر ایزاین از اینها تعلق بودند. نمونه باز از آن اتحادیه‌های کارگری آلمان بود.

در کنگره اشتوتگارت، هیئت آلمانی بزرگترین هیئت نماینده‌گی بود که شامل ۱۵۰ نماینده اتحادیه ها و ۱۳۶ نماینده از ۲۵ کشور دمکرات بود. (۶۸) اکثریت این هیئت وابسته به جناح راست تحت رهبری کارل لژین، جرج فون فلار، ادوارد برنشتین، البرت سودکوم و شایدمان بودند. پس از هیئت آلمانی، هیئت بریتانیائی با ۱۲۲ عضو قراردادش که اکثریت آن را نماینده‌گان حزب کارگر تشکل می‌دادند که از جناح راست حزب کارگر مستقل به رهبری رمزی ماکدونالد حمایت می‌کردند. (۶۹) هیئت اطربیشی، فرانسوی و برخی هیئت‌های دیگر نیز وضع مشابهی داشتند.

عمده در تین مسائلی که در کنگره اشتوتگارت مورد بحث قرار گرفتند، میلیتاریسم و جنگ، مسائل مستعمراتی، مناسبات احزاب سوسیالیست و اتحادیه‌ها، حق رای زنان و مسئله مهاجرت کارگران بود. یکی از حادثهای مسائل موردن بحث در کنگره اشتوتگارت بود. در کنگره ایزاین حکمیت کارگری از جنگ راست که در مرحله کنیدیگی آن ناشی می‌شد و بالآخر این که قطعنامه شد که مهم ترین آن قطعنامه ببل بود. این قطعنامه بر این نکته اساسی تأکید داشت که جنگ‌ها محصول نظام سرمایه داری اند و با پیروزی سوسیالیسم از میان می‌روند. معاذه این قطعنامه اشکالات جدی داشت. بیش از حد کلی گوئی بود و البته دلیل آن هم گرایشات ببل بود برای راضی نگهداشت همه جناح‌ها. اشکال دیگر قطعنامه تقسیم بندی جنگ‌ها به تدافعی و تعریضی بود که از عدم شناخت تحول اوضاع جهانی و نظام سرمایه‌داری در مرحله کنیدیگی آن ناشی می‌شد و بالآخر این که قطعنامه یکراه حل قطعی و انقلابی برای پایان بخشدن به جنگ در برابر پرولتاریا قرار نمی‌داد.

جناب چپ انتربنیونال که سخنگویان آن لنین و روزا لوکزامبورگ بودند، یک اصلاحیه ۴ ماده ای را بر قطعنامه ببل ارائه داد. اصلاحیه خواهان آن بود که: ۱- بر قطعنامه‌های پیشین در قطعنامه جدید تأکید شود و تأکید گردد که میلیتاریسم سلاح سلطه طبقاتی بورژوازی و ستم

پیام تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

به شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت جانباختگان راه آزادی محمد مختاری و
محمد جعفر پوینده

رفقاً دوستان!

جمهوری اسلامی درادمه سرکوب‌ها و جنایت‌های بی‌انتهای خود، موج ترور و سرکوب را بار دیگر تشدید نموده است. در طی یک ماه اخیر چند تن از مخالفین سیاسی و نویسندهای ایران توسط جوخداری تروورو سرکوب دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند.

محمد مختاری و محمد جعفر پوینده که از نویسندهای شاعرا و مترجمین برجهشته ایران بودند، از آن‌زو توسعه رژیم سرکوب واختناق به قتل رسیدند که برای آزادی بیان و اندیشه‌تلاش می‌کردند.

جمهوری اسلامی که با آزادی‌های سیاسی دشمنی آشنا ناپذیر دارد، نمی‌تواند هیچگونه مخالفتی را تحمل کند. این رژیم در طی ۲۰ سال حکومت ننگین خود پیوسته کوشیده است با توصل به شیوه‌هایی و حشیانه سرکوب، ترور، شکنجه، زندان و اعدام، هرس‌دیای انتراضی را درگلو خفه کند و مردم را از ادامه مبارزه برای تحقق خواستهای این رژیم برق شان باز دارد. با این وجود، مردم ایران هیچگاه شکلی رژیم ترور و اختناق نشده و به مبارزه خود ادامه داده اند. اکنون دیگر نارضایتی و اعتراض به چنان مرحله‌ای رسیده که مبارزات علیه و آشکار مردم ایران علیه حکومت اسلامی روز بروز اتعاب گسترشده تری خود می‌گیرد. رژیم جمهوری اسلامی که در برایر اعتلاً این جنبش اعتراضی خود را بیش از پیش ناقوان می‌بیند، ترور را بعنوان یکی از اشکال‌اصلی مقابله درست‌خطی گسترشده در مستور کار قرار داده است تا شاید بین طریق بقای مردم را مروع کند و آنها را از ادامه مبارزه بازدارد. اما اعتراضات گسترشده در پی این ترورهای وحشیانه، حاکی از این واقعیت است که اکنون نارضایتی مردم به مرحله‌ای رسیده که دیگر این اقدامات وحشیانه نیز نمی‌تواند رژیم را از سقوط حتمی نجات بخشند. تجربه فاجعه بار ۲۰ سال حکومت جمهوری اسلامی، اکنون این حقیقت را دربرابر همکان قرارداده است که جمهوری اسلامی و تمام جناحهای آن، یک کلیت ارتجاعی و ضد مردمی هستند که با آزادی و خواستهای برق توده های مردم، دشمنی اشتبیه ناپذیر دارند. راه نجات از این همه فجایعی که جمهوری اسلامی بیارآورده است و تحقق مطالبات آزادی خواهان، دمکراتیک، رفاهی و اجتماعی مردم، تنها سازماندهی و توسعه جنبش اعتراضی توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

یاد محمد مختاری و محمد جعفر پوینده را با تشید مبارزه علیه تمامیت رژیم

جمهوری اسلامی کرامی باریم.
کرامی باد خاطره محمد مختاری و محمد جعفر پوینده
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
تشکیلات خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)



از خواستهای برق نویسندهای ایران حمایت کنیم

در حالی که رژیم جمهوری اسلامی در تلاش است با ترور مخالفین سیاسی و نویسندهای، و ایجاد محیط رعب و وحشت، صدای اعتراف را خاموش کند، گروهی از نویسندهای ایران روز گذشته نامه‌ای خطاب به مردم ایران منتشر کردند و در آن جنایات رژیم را در کشتار و سرکوب، ترور و اختناق محکوم نمودند. در قسمتی از این نامه چنین آمده است: «ضم‌افشاء این خشونت سازمان یافته و ابراز عدم امنیت جانی اهل قلم و انبیه، خواستار پاسخ گوئی صریح مقامات مسئول مملکت می‌ستیم.» و «از تمام کسانی که این موقعیت ضد آزادی و امنیت عمومی را بمنی تابند می‌خواهیم، به این وحشت آوری خانمده دهدن.»

نویسندهای، نامه‌ای نیز برای خاتمی فرستاده اند و طی آن خواستار تامین امنیت کامل نویسندهای برای فعالیت عادی و فرهنگی، فعالیت علمی کانون نویسندهای، و محکمه و مجالات عاملان قتل‌های چند سال اخیر شده اند.

نامه نویسندهای خطاب به مردم ایران، حاکی از درک این واقعیت است که تنها توده های وسیع مردم قادرند با مبارزه و اعتراضات خود جلوی این وحشی گریهای حکومت اسلامی را بگیرند. جز دعوت از توده های وسیع مردم به مبارزه، راه دیگری برای مقابله با سرکوب گریهای رژیم کارزار نیست. رژیم جمهوری اسلامی و همه جناحهای آن، در ۲۰ سال گذشته نشان داده اند که جز سرکوب، اعدام، زنان، ترور و اختناق غریب دیگری ندارند.

باید با یک مبارزه توده ای به مصاف این حکومت رفت و به جنایتها بی شمار آن پایان بخشد. سازمان فدائیان (اقلیت)، ضمن محکوم کردن سرکوب و کشتارهای جمهوری اسلامی، از حق نویسندهای برای ابراز آزادانه و علنی عقاید و نظراتشان، از حق آنان برای تشکیل کانون نویسندهای، و دیگر مطالبات برق آنها دفاع می‌کند و همه نیروهای متفرقی را به حمایت از خواستهای برق و عادله نویسندهای ایران فرمی‌خواهد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۳۷۷/۹/۲۲

عظیم احزاب سوسیالیست، به هیچ یک از مواضع این قطعنامه عمل نمی‌کنند و بالعکس سیدی متفاوت در پیش می‌گیرند. مسئله دیگر مورد بحث که مشاجرات شدیدی را درین کنگره به همراه داشت، موضوع گیری در مقابل سیاستهای مستعمراتی بود. جناح راست که در کمیسیون تدوین قطعنامه مربوط به این موضوع مسلط بود، امپریالیست را تائید می‌نمود. مدافعان این قطعنامه، جهان را به ملت‌های متعدد طالب پیشرفت و آنهایی که با تمدن و پیشرفت مخالفاند تقسیم می‌کردند. وادعا میکردند که استعمارگران رسالتی رهائی بخش دارند و برای انجام رساله شان حتی باید اسلحه بست در مستمرمات باشند. آنها حتی پارا از این حد نیز فراتر می‌نهاند و می‌گفتند، مادام که بشریت وجود دارد، مستعمرات نیز وجود خواهد داشت. در قطعنامه‌ای که آنها را از این مخالفت دارند، از جمله گفته شده بود که کنگره نمی‌کند، چرا که در سوسیالیسم، گونه سیاست مستعمراتی میتواند نقش تمدن بخش ایفا نماید. (۷۲) این قطعنامه که مملو از شوونینیسم و دفاع از امپریالیسم و سیاست مستعمراتی بود، تنها مورد حمایت اکثریت کمیسیون نبود بلکه نیمی از نمایندهای مدافع آن بودند. موضع گیری در مورد این مسئله گونه‌ای بود که در رهیئت نماینده‌گی ایالات، اقلیتی تحت رهبری کائوتسکی با آن مخالف بودند و اکثریت از همین طرح قطعنامه دفاع می‌کردند. مخالفت جناح چپ و نیز بخشی از مرکز با این قطعنامه، مانع از تصویب آن شد. پس از مشاجرات شدید برسرایان مسئله، سرانجام، کنگره با ۱۲۷ رای موافق، ۱۰۸ رای مخالف و ۱۰ رای ممتنع، قطعنامه پیشنهادی جناح چپ را پذیرفت. قطعنامه جناح چپ که به تصویب رسید، همانند کنگره‌های پیشین، سیاست مستعمراتی بورژوازی را بعنوان سیاست قطعنامه جناح چپ، سیاست مستعمراتی قهر و غارت محکوم میکرد. قطعنامه جناح چپ، سیاست مستعمراتی سرمایه داران را عامل بردوگی، کار اجباری و نابودی جمعیت بومی مناطق مستعمراتی معرفی می‌نمود. در مورد مسئله مناسبات احزاب سوسیالیست و اتحادیه‌های کارگری، قطعنامه‌های مخالفتی ارائه شد. جناح راست جنبش سوسیال دمکراتیک فرانسه به رهبری زوره و پیلان طرح قطعنامه‌ای را ارائه داد که در آن از بی‌طرفی اتحادیه‌ها دفاع شده بود. هیئت بلژیکی در قطعنامه خود مخالفت قطعی و مصممانه با قطعنامه ژوره را خواستار بود. درین قطعنامه بر ضرورت مشارکت احزاب کارگران و اتحادیه‌ها در مبارزه اقتصادی و سیاسی و عرصه مطبوعات تاکید داشت. این قطعنامه به نحوی از ادغام احزاب و اتحادیه‌ها دفاع می‌کرد. (۷۳) اکثریت نمایندهای ایالات، با داعیان ایجاد و اتحادیه‌ها دفع می‌کرد. حال که بیطریفی اتحادیه‌ها را مردود می‌شمردند، با داعیان احزاب و اتحادیه‌ها در یکدیگر نیز مخالف بودند لذا قطعنامه‌ای هیئت اطربیشی تصویب شد که خواهان وحدت تشکیلاتی، احزاب و اتحادیه‌ها نبود، اما از ضرورت پیوند های نزدیک ترمیمان حزب و اتحادیه دفاع کرد. دفاع از حقوق انسان موضع دیگر مورد بحث در کنگره‌اشتوتگارت بود. درمورداًین مسئله اختلافات جدی وجود نداشت و تنها نمایندهای اطربیش در کنگره نیز فاینان های انگلیسی و نمایندهای کارگر مستقل به آن رای دادند. کلارا زتکین که نقش فعالی را در کمیسیون بر عهده داشت، در پاسخ برخی مخالفت‌های نمایندهای اطربیش تاکید کرد. وی می‌گفت که بدون مشارکت هرگونه محدودیت علیه زنان را رد میکند. وی گفت که در کنگره اتحادیه‌ها دفع می‌کند و حمایت فعال زنان کارگر، پیروزی طبقه کارگر ممکن نیست و حق رای زنان را باید بعنوان یک مرحله حیاتی در مبارزه برای هدف ما در نظر گرفت. (۷۴) او قطعنامه‌ای را که در نخستین کنفرانس زمینه داشتند و به هنگام تصویب در کنگره نیز فاینان های انگلیسی و نمایندهای کارگر مستقل به آن رای دادند. کلارا زتکین که نقش فعالی را در کمیسیون بر عهده داشت، در پاسخ برخی مخالفت‌های نمایندهای اطربیش تاکید کرد. وی می‌گفت که درین قطعنامه تاکید کرد که احزاب سوسیالیست تمام کشورها و سازمانهای زنان مبارزه کنند و منتهای تلاش خود را بد کار گیرند. این قطعنامه چنین پایان یافت: "مطلوبه حق رای عمومی را باید همزمان برای زنان و مردان مطرح ساخت." (۷۵) در کنگره اشتوتگارت برخی از جریانات راست بویژه از میان هیئت نمایندهای ایالات متحده کوشیدند که با ارائه یک قطعنامه، مهاجرت کارگران را از کشورهای عقب مانده به کشورهای پیشرفته سرمایه داری ممنوع کنند. این موضع نمایندهای ایالات متحده، هلند و استرالیا بویژه با شدت از سوی جناح چپ و مرکز بعنوان نگرشی ناسیونالیستی و راسیستی محکوم و از جانب کنگره مردود اعلام شد.

زیرنویس‌ها:

- ۷۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۴ جنبش بین‌المللی طبقه کارگر - جلد سوم
- ۶۷، ۶۸، ۶۹ انترنسیوئال دوم - ایگور کریوگز
- ۷۰ کلیات آثار لنین جلد ۲۶
- ۷۱ تاریخ سه انترنسیوئال - ویلیام فاستر - ترجمه فارسی
- ۷۵ کلیات آثار لنین جلد ۱۳



اطلاعیه

اعتراض، راهپیمائی و تحقیق ۲۰۰۰ کارگر در کاشان

در اعتراض به اقدامات سازمان تأمین اجتماعی که فروش بیمارستانهای متعلق به کارگران را آغاز کرده است، ۲۰۰۰ کارگر در خیابانهای کاشان دست به راه پیمایشی زدن و خواستار لغو واکناری بیمارستان شدند. بدنبال تصمیم سازمان تأمین اجتماعی مبنی بر واکناری بیمارستان ۴۴۰ تاخته خوابی از سازمان تأمین اجتماعی به داشتگاه علوم پزشکی این شهر ابتدا کارگران و کارکنان این بیمارستان به مدت چند روز در محل بیمارستان تجمع نموده و نسبت به واکناری این بیمارستان اعتراض نمودند. طولی نکشید که این اقدام اعتراضی مورد حمایت سایر کارگران شهر کاشان و جومه فرار گرفت و راهپیمایی و تظاهرات بزرگی سازمان داده شد. مقامات حکومتی سعی کردند با وعده و عیید، کارگران را متفق سازند، اما این وعده ها کارساز نبود. کارگران ضمن تداوم اعتراض و تحقیق، مچجان خواهان لغو تصمیم سازمان تأمین اجتماعی شمند.

کارگران که در سخت ترین شرایط معیشتی بسر میبرند و با دستمزد ناچیزشان به هیچوجه نمیتوانند از پس هزینه کران دارو و درمان و سایر هزینه های سراسر آور نزدیکی برآیند، بخوبی میدانند که اگر این بیمارستانها نیز واکنار شوند، دیگر از همین امکانات بسیار محدود و ناچیز درمانی هم محروم خواهند شد.

گردهم آئی، راهپیمایی، تظاهرات و تحقیق کارگران به نشانه اعتراض به تصمیم سازمان تأمین اجتماعی، یک هفته ادامه داشت تا سرانجام روز ۱۳ دی فرماندار شهر در محل گردهم آئی حضور یافت و اعلام کرد که تصمیم واکناری بیمارستان لغو شده است و از کارگران خواست به گردهم آئی ها و راهپیمایی خود پایان دهند. اما کارگران که تضمین بیشتری میخواهند و هنوز مشخص نیست که مطالبات دیگری را نیز مطرح ساخته اند یا نه، به حرکت اعتراضی خود ادامه دادند. این جنبش اعتراضی کارگری هنچنان ادامه دارد.

سازمان فدائیان (اقلیت) از جنبش اعتراضی کارگران کاشان قویا حمایت میکند و خواستار تحقق هرچه فوری تر مطالبات کارگران است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ۷۷/۱۰/۱۵ کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

بودجه ارتقای دولت ارتجاعی هیچگونه مشکل را از توده های زحمتکش مردم حل نخواهد کرد چه رسید به آنکه بخواهد تامین کننده عدالت اجتماعی باشد یا فقر و محرومیت را ازین ببرد! بنابراین اولویت عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت در بودجه، آنهم در جاییکه میلیونها کارگر با کار شبانه روزی و طاقت فرسا نمیتوانند شکم خود و اعضا خانواده شان را سیر کنند، زمانی که حدود ۸ میلیون نفر بیکارند و هیچ منبع درآمدی برای تامین معاش ندارند و بالاخره وقتی که بیش از ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی میکنند و روز بروز فقیرتر و محروم تر میشوند، صاف و ساده جز مزخرف گوئی و حرف مفت چیز دیگری نیست. هر کس میداند بودجه ای که لایحه آن به مجلس برده شده است و بنا به تجزیه پس از یک رشته بحث و فحص ها و پاره ای تغییرات جزئی به تصویب مرسید، اساساً در جهت منافع سرمایه داران تنظیم شده و به مصرف مرسید. بخش قابل توجه آن صرف ارگانهای بوروکراتیک، ارش، سیاه پاسداران و سایر اگانهای سرکوب رژیم میشود و ما بقیه هم تحت عناین مختلف، مستقیم و غیر مستقیم در خدمت پولدارها، تاجرها، صاحبان سرمایه و دلالان مصرف میشود. دولت آقای خاتمی هم مثل دولت پیشین و هر دولت سرمایه داری، رسالت دیگری ندارد جز آنکه بر بخشی از حاصل استثمار و دسترنج کارگران بعنوان درآمدخواش چنگ بیاندازد و آن را مجدداً به منظور سازماندهی استثمار کارگران و حفظ منافع و سلطه طبقه سرمایه دار هزینه کند، همین.

اکنون میباشیم که غیرازخوارها "کرامات انسانی" که پیش از این تحويل مردم داده بود، اندکی هم "عدالت اجتماعی" میبخشید و علیه فقر و محرومیت شعار میداد. وی تمام هزینه در این زمینه این بود که بگوید راه "نجات" اقتصاد بحران زده رژیم، استفاده از سرمایه های خارجی است که خود این مسئله را تجویز و برآن تاکید نمود، و بعد هم بکار دیگر بر واکناری شرکتها و پروژه های عمرانی دولتی و حقی اموال منقول و غیر منقول آنها به بخش خصوصی تاکید کند! اما در این مورد که چگونه عدالت اجتماعی تامین میشود در مورد تجھیز واکناری مراکز توپیلی و اقتصادی دولتی به بخش خصوصی که معنای عملی آن تشدید و تداوم روند بیکارسازی های وسیع کارگران است چیزی نگفت. معهذا در مورد پدیده بیکاری وجود میلیونها بیکار، چنین اطمینان خاطر داد که بگوید "زمینه فعل شدن شورای عالی اشتغال که با همت مجلس به تصویب رسیده است را فراهم کرده ایم!" و براسنی که از این بیشتر هم از خاتمی و دولت اسلامی سرمایه داران ساخته نیست. آنها هزار کارگر شاغل را اخارج و از کار برکنار میکنند، میلیونها بیکار را به امان خدا رها میکنند و بعد حداقل "همت" بخرج میدهند تازمینه فعال شدن شورای عالی اشتغال که خود آقای خاتمی از کار بیشتری که خود آقای خاتمی هم میداند که کار بیشتری از او ساخته نیست و خود او هم با گفتن این که "خواستن حل مشکلات از یک بودجه کار درستی نیست" بر هرگونه تصوری در مورد تغییر مثبت و بهبودی به نفع اقشار رحمتکش مردم مهر باطل میزند و در واقع امر هم او به نکته درستی اشاره میکند.

پوزش و تصحیح

با پوزش از خوانندگان نشیوه کار، تغییر آدرس پست الکترونیک سازمان که در شماره گذشته نشیوه کار آمده بود اشتباهاتی داشت که صحیح آن به قرار زیر است:

info@fedaian-minority.org

پست الکترونیک :E-Mail

آدرس پستی سازمان در سوئیت نیز اشتباه تاییی داشت که در این شماره تصحیح شده است.

درباره بودجه سال ۷۸ و دعاوی آقای خاتمی

ماهه آخرسال جاری جبران و بیاز پرداخت شده است؟ آیا میلیاردها ریال استقراض بانکی، میلیاردها دلار قرضه بدهی خارجی صاف شده است؟ تکرار دعاوی رئیس جمهور پیشین از زبان خاتمی و رقم سازیهای او آنهم زمانی که رفسنجانی عمیقاً رسوا و دروغهای وی کاملاً برملا شده است، ادعای موقفيت و توازن بودجه، آنهم زمانی که دولت تاخیر خارجی و داخلی بدھکاری است و کماکان دنبال قرضه خارجی و داخلی است و خلاصه به هردری میزند تامور روزمره خود را بگذراند، حقیقتاً انقدر مسخره بود و مسخره است، که حتی روزنامه های رژیم هم بهاین موضوع و ظاهر سازی های تنظیم کنندگان بودجه اشاره کردند.

بعنوان نمونه روزنامه رسالت درهمان فردای ارائه لایحه بودجه به این موضوع پرداخته و پرده از روی رقم سازی های آقای رئیس جمهور کثار زده است. این روزنامه چنین اشاره نموده است که "براساس آخرین مباحث هیئت دولت که در جدول بودجه عمومی منعکس شده بود . دولت ۷۸۲۰/۴ میلیارد ریال به عنوان استقراض از بانک مرکزی پیش بینی کرده بود که با توجه به حساسیت های نمایندگان مجلس در جریان کسری بودجه از طریق استقراض، در آخرین لحظات جابجایی هایی صورت گرفت تا کسری بودجه پنهان گردد ! همین روزنامه در توضیح چگونگی باصطلاح صفر شدن استقراض بانکی و پنهان نمودن کسری بودجه با تغییر و جابجایی اعداد و ارقام مبنیوسید که قرار بود "دولت پیش بینی فروش ۹۲۲۳ میلیارد ریال ارز داشته باشد که با انتقال بخشی از عدد استقراض به این ستون، مقرر شد ۱۱۶۷/۳ میلیارد ریال ارز بز گفروش رسانده شود یا در آمد نفت که ۲۰۵۸۸/۸ میلیارد ریال پیش بینی شده بود که در فاصله کوتاهی به از سرمایه های خارجی است که خود این مسئله را تجویز و برآن تاکید نمود، و بعد هم بکار دیگر بر واکناری شرکتها و پروژه های عمرانی دولتی و حقی اموال منقول و غیر منقول آنها به بخش خصوصی تاکید کند! اما در این مورد که چگونه عدالت اجتماعی تامین میشود در مورد تجھیز واکناری مراکز توپیلی و اقتصادی دولتی به بخش خصوصی که معنای عملی آن تشدید و تداوم روند بیکارسازی های وسیع کارگران است چیزی نگفت. معهذا در مورد پدیده بیکاری وجود میلیونها بیکار، چنین اطمینان خاطر داد که بگوید "زمینه فعل شدن شورای عالی اشتغال که با همت مجلس به تصویب رسیده است را فراهم کرده ایم!" و براسنی که از این بیشتر هم از خاتمی و دولت اسلامی سرمایه داران ساخته نیست. آنها هزار کارگر شاغل را اخارج و از کار برکنار میکنند، میلیونها بیکار را به امان خدا رها میکنند و بعد حداقل "همت" بخرج میدهند تازمینه فعال شدن شورای عالی اشتغال که خود آقای خاتمی از کار بیشتری که خود آقای خاتمی هم میداند که کار بیشتری از او ساخته نیست و خود او هم با گفتن این که "خواستن حل مشکلات از یک بودجه کار درستی نیست" بر هرگونه تصوری در مورد تغییر مثبت و بهبودی به نفع اقشار رحمتکش مردم مهر باطل میزند و در واقع امر هم او به نکته درستی اشاره میکند.

اینهم از مهمترین شاخص بودجه آقای خاتمی! با این توضیحات افسلی کنند، دیگر نیازی به اثبات کسری بودجه و استقراض بانکی دولت، باقی نمیماند! و استناد به همین مطلب روزنامه های رژیم هم برای قضایت در آمد پیش بینی شده از محل قروش نفت و یا فروش ارز و موثر امثال آن که همان طور که دیدیم خود این درآمدها نیز غیر واقعی است، موضوع استقراض بانکی و کسری بودجه خود را حل کرده است! آقای خاتمی کار قابلی است! او دریک چشم بهم زدن و با افزودن بر رقم درآمد پیش بینی شده از محل قروش نفت و یا درآمدها نیز غیر واقعی است، موضوع استقراض بانکی و کسری بودجه خود را حل کرده است! آقای خاتمی با غیر واقعی ترکیدن درآمدها که در واقع معنی اش افزایش کسری بودجه و نتیجه داشت که همان طور که دیدیم خود این درآمدها نیز غیر واقعی است، موضوع استقراض بانکی است، کسری بودجه خود را حل کرده است! آقای خاتمی منتظر کرده است! انکار کسری فاحش بودجه، استقراض و بدھی بانکی فقط در سایه دروغ اقتصادی و ریا کاری ممکن بودو آخوند خاتمی این چشم بندی معجزه آمیز یک بار دیگر ثابت نمود که در ریاکاری و شارلاتانیسم، هیچ دست کمی از شارلاتان اسبیق هاشمی رفسنجانی ندارد.

و سرانجام، ادعا و دروغ بزرگ دیگر آقای خاتمی، ادعای اولویت دادن به تامین عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت است. جناب خاتمی که در دفاع از لایحه بودجه، نتوانسته بود، گرانی و تورم افسار گسیخته اندکار کندو حتی سخن از رکود و افزایش "بیسابقه" "جمعیت مقاضی کار" بیان آورده بود،

اعتراض کارگران فرش مازندران

کارگران کارخانه‌فرش مازندران بالارسال یادداشتی
به مطبوعات نسبت باقدامات ضد کارگرگی مدیریت
این کارخانه اعتراض کردند. کارگران در نامه
اعتراضی خود که بخش هائی از آن در روزنامه کار
و کارگر به چاپ رسیده است از جمله اشاره کردند
که ۲۶۰ تن از ۳۰۰ کارگر این کارخانه که بین ۸
تا ۱۷ سال ساقه کارداشتند اندو هرگاه لازم بوده
از جان مایه گذاشته‌اند، اخیراً بازخرید شده‌اند و
۴۰ نفر دیگران کارگران که هنوز شاغل‌اند بی‌آنکه
شرایط مدیریت را پذیرفته باشند در سخت ترین
شرایط بکار مشغولند. کارگران در این نامه همچنین
به شرایط اجباری بازخرید کارگران اشاره کرده و
می‌نویسند "چرا؟ . . . کارگران را با چندین سال
سابقه کار مجبور می‌کنند که خود را بازخرید نمایند
و پای قوار داده‌ای موقت کار را امضا کنند تا به
گونه‌ای رفتار کنند که کارفرما ازاو می‌خواهد"؟

خبری از ایران

کشیدن. کارگران دراین حرکت اعتراضی خود، در عین حال از ورود معاون اجرائی کارخانه، ممانعت عمل آورده و خواستار برکناری وی شدند. کارگران عین کارخانه در ارتباط با برخوردهای ضد کارگری بدیریت، از جمله اعلام کردند که برخورداری شخص اما کارگران اهانت آمیز، دورازشان و متنزلت کارگران حتی دوراز موازین قانونی است. شایان ذکر است که کارخانه شیشه سازی همدان با دارا بودن حدود ۸۰ کارگر، بزرگترین کارخانه استان همدان است.

کارگران اجر ساز

جمع زیادی از کارگران یک شرکت آجرسازی اصفهان وز ۲۱ اذمه، با برپائی یک تجمع اعتراضی در رابراسخاتمان استانداری، خواستار حقوق های عقب فتاده خود شدند. شایان ذکر است که مالک این کارخانه که بعد از انقلاب به خارج گریخته بود، پس از چندین سال به کشور باز گشتمو با تحویل کارخانه، مم اکنون ۸ ماه است که حقوق کارگران را نبرداخته است و کارخانه را در معرض تعطیلی قرار داده است.

تحصین اعتراضی کارگران اخراجی

۱۵ نفر از کارگران شرکت ماشین های زاینده رود در سازمان آب منطقه ای اصفهان که خیرا اخراج شده اند، در اوائل نیمه دوم آذر ماه در محل این سازمان دست به تخصیص زندنو خصم اعتراض بهاین قدران کار فرما، خواستار بازگشت به کار شدند. یکی از مسئولین سازمان آب با حضور در جمع کارگران اینجا می خطا به کارگران گفت، ماهیج بیانی به شما نداریم! شایان ذکر است که اکثر این کارگران خارجی، بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند. کارگران رنامه ای اعتراضی که به مطبوعات فرستادند، به وند اخراج کارگران اشاره کردند و از جمله نوشتند، که "در رسال ۷۶ تحت عنوان تعديل ۳۰۰ تن از کارگران از خرید و اخراج شدند. در سالهای ۷۳ و ۷۴ نیز این وند ادامه یافت و کارگران دگرباره قربانی سیاست تعديل شدند. آقایان چند شرکت را با عنوانی مختلف شکل دادند" منجمله شرکت مهندسی ماشین آلات) این شرکت ها کارگران را به رسمیت نشناخت و پس از طی ماهها بلا تکلفی و سرگردانی، این کارگران را اما حیل گوناگون اخراج یا بازنشسته کردند. بعد اینکه اطلاعیه ای اعلام کردند که این شرکت، خصوصی سست و هیچ وابستگی به سازمان آب نداردو سازمان ب منطقه ای اصفهان سهام خود را فروخته است" کارگران در انتهای نامه خود خواستار رسیدگی به مشکلات خود شده اند.

تجمع اعتراضی صیادان

۳۵۰ نفر از صیادان دام گستر استان گیلان، در
عتراف به سیاستهای شیلات‌ایران مبنی بر منوعیت
صید ماهی به شیوه‌های موردنظر صیادان، از روز
شنبه هفتم آذر در برابر دفتر ریاست جمهوری به
مدت چند روز دست به تحصین زدند. شیلات ایران
بر حالی که به بهانه حفظ منابع طبیعی و ذخائر
بزی و دریائی، به اعمال چندین سیاستی دست زده

اعتراض به اخراج،
و بازگشت به کار

کارگاه "شهید با هنر" اداره کل راه و ترابری استان گیلان که در ۱۵ کیلو متری جاده رشت - امامزاده هاشم واقع شده است، یکی از کارگاههای تابعه اداره کل راه میباشد. این کارگاه در تاریخ ۷/۸/۵ توسط مدیر کل راه و ترابری گیلان، طی قراردادی به شرکت بنام "راهداران" واگذار می شود . وقتی کارگران برای کار به نماینده شرکت فوق الذکر مراجعه میکنند، نامبره اعلام میکند که طبق قراردادی که شرکت با مدیر کل منعقد ساخته است ، شرکر اهداران در مقابل کارگران هچگونه مسئولیتی ندارد. این اظهار نظر که معاشرش در واقع اخراج دسته جمعی کارگران این کارخانه است ، اعتراض تمامی کارگران را برمی انگیزد. کارگران در اعتراض باین موضوع و برای بازگشت به کارضمن مراجعت به استانداری ، اداره کار، دفتر نماینده ولی فقیه در استان و سایر مرکز دولتی، اپراز شکایت نموده و خواستار رسیدگی به مشکل خود رهائی از بلاتکلیفی میشوند. کارگران در عین حال بالراسال یک طومار اعتراضی که بیش از ۵۰ تن از کارگران ائرا امضای کرده بودند ، به روزنامه کار و کارگر، خواستار انگکاس و ضعیت عمومی خود می شوند. سرانجام بعد از پیگیری های زیاد کارگران ، وقتی که هیئت تشخیص اداره کل استان رای به بازگشت بکار کارگران میدهد، آقای مدیر کل حکم انتقال تعدادی از کارگران را به دورترین نقاط استان صادر میکند! در هر حال کارگران در طوماری که تهیه کرده اند از جمله نوشتند اند "سؤال ما این است که چرا این کارگاه را واگذار میکنند و تمام امتیازات و امکانات را در اختیار نماینده آن شرکت قرار میدهند و هیچ گونه حق برای کارگران شاغل در این کارگاه که همانا حق کارکردن می باشد در نظر نمی گیرند و براحتی اقدام به اخراج دسته جمعی کارگران کرده و موجبات بلاتکلیفی، بیکاری و ناراحتی آنها و خانواده هایشان را فراهم می سازند؟"

قابل ذکر است که کارگران این کارگاه در حالی بطور
دسته جمعی اخراج شده اند که هر گدام از ۵ تا ۲۵
سال سابقه کار دارند و حتی تا ۷۷/۸/۲۳ نیز در
کارگاه مربوطه مشغول به کار بوده اند !!

کارگران کارخانه شیشه

همدان دست از کار کشیدند
کارگران شیشه همدان، در اعتراض به شیوه های
برخود مدیر بیت کاخ خانه با کارگران، دست از کار

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

کاہش تولیدات

بر اساس گزارش عملکرد شش ماهه اول سال ۷۷ وزارت صنایع، از میان ۸۳ قلم کالاهای مهم صنعتی که روند تولید آنها مورد بررسی قرار گرفته است، میزان تولید ۲۲٪ محصول از ۵٪ تا ۹۲٪ نسبت به زمان مشابه سال قبل کاهش یافته است. تولیدات در گروه خودرو و موتورهای محركه کار ۵ تا ۸۰ درصد، گروه ماشین سازی و تجهیزات ۶/۴ تا ۶۵ درصد، گروه صنایع فلزی ۱/۵ تا ۱۱ درصد، گروه صنایع شیمیائی سلولزی از ۸/۱ تا ۹۲/۶ درصد، گروه کالای غیرفلزی از ۱/۲ تا ۱۰/۵ درصد، گروه غذائی داروئی و بهداشتی از ۵/۳ تا ۳۰/۷ درصد، گروه صنایع نساجی از ۲/۰ تا ۱۵/۱ درصد کاهش یافته است. علت این کاهش تولید، کمبود تقاضنی، کمبود سرمایه در گردش، عدم تخصص ارز، کاهش قدرت خرید مردم، اشباع بازار و مازاد عرضه بر تلقاضاً، واردات خارجی و مشکلات صادرات، ذکر شده است.

کاہش روند سرمایہ گزاری

نسبت سرمایه گذاری به تولید تاخالص داخلی در سال ۱۳۵۵ ۲۵ درصد بود که سال ۶۷ به ۱۰/۵ انداده شد. این نسبت در سال ۷۵ به ۱۷ درصد رسید و بالآخره در سال گذشته (۷۶) کاهش یافت و به ۱۶ درصد رسید. این در حالی است که در همین سال این نسبت در مالزی، کره جنوبی، اندونزی و هند به ترتیب در حدود ۴۳، ۲۸، ۲۹ و ۲۳ درصد بوده است. قابل ذکر است که از اوائل سال ۷۶ تا اواسط (شهریور) سال ۷۷، بالغ بر ۳۰۰ شرکت جدید ایرانی تولید کننده مواد غذائی و وسائل الکترونیکی و سایر محصولات، در کشور امارات متحده به ثبت رسیده اند و تعداد کل شرکت های ایرانی در امارات یه ۲۰۰۰ افزایش یافته است. ایضاً در همین رابطه، طبق مendirجات روزنامه کاروکارگر دهم آذر، ۲۵ شرکت ایرانی با سرمایه داران عربستانی قراردادهای در زمینه های صنایع سنگین و نیمه سنگین ایزار آلات، آهن، وسائل خانگی و دیگر زمینه های صنعتی و تجاری به امضای رسانده اند. طبق این خبر که ازروزنامه الشرق الاوسط نقل شده است، یکی از مهمترین قراردادهای دو جانبی سرمایه داران ایرانی و عربستانی، قرارداد شرکت ایران کریں و شرکت عربستانی‌الجمعیع است که طبق آن دو طرف سرمایه ای به میزان ۲۰ میلیون دلار برای تولید کربن در عربستان سرمایه گذاری می کنند.

بدهکاری شرکت های دولتی به شبکه بانکی

بدهکاری شرکت های دولتی و یا وابسته به دولت به شبکه بانک دائمًا در حال افزایش است. مبلغ این بدھی که در سالهای ۷۴ و ۷۵ به ترتیب ۱۶۴۰۶/۴ و ۲۱۳۷۹/۶ میلیارد ریال بوده در سال جاری به ۳۲۲۷۸۰ میلیارد ریال افزایش یافته. شایان ذکر است که زیان شرکتهای دولتی نیز روندی فزاینده داشته است و از ۵۶۳/۵ میلیارد ریال در سال ۷۷ به ۱۸۹۳/۶ میلیارد ریال در سال جاری افزایش یافته است.

بازهم افزایش سرسام اور قیمت ها

بانک مرکزی جمهوری اسلامی با منتشارگزارشی اعلام کرد که بهای کالاهای در هفتاد نتیجه به ۷۷/۹/۲۰ نسبت به هفتاد ماقبل آن گاه بیش از ۲۰ درصد افزایش یافت. بهار گروه خوراکی ها و آشامیدنی ها و دخانیات ۲۵/۵ درصد، پوشاش ۶/۴ مسکن، سوخت و روشنائی ۲۰، حمل و نقل و ارتباطات ۲۹/۲ درمان و بهداشت ۲۵/۵، کالاهای و خدمات متفرقه ۰/۵ درصد افزایش یافته است. برطبق این گزارش، بهای تخم مرغ ۲۳/۹ در صد، گوشت مرغ ۸/۱ در صدو بهای قند و شکر ۵/۳ درصد افزایش یافت. در تهران بهای تخم مرغ، سبزی های تازه، قندو شکر و میوه ۱۱ کم

*کارخانه ۱۲ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند.
همچنین برخی کارخانه های واقع در شهرستانهای
ورامین و پاکدشت، از ۲ تا ۷ ماه است که حقوق
کارگران را پرداخت نکرده اند.

بیش از ۱۵ هزار کارگر اخراج شدند

رئیس هیئت مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کارستان تهران در مردمخراج کارگران توسط کار فرمایان چنین گفت که تعداد پرونده های درخواستی خراج کارگران به اداره کار این استان ۲۹ هزار و ۸۶۳ فقره است که تاکنون رای اخراج ۱۵ هزار و ۸۳۳ تن از کارگران داده شده است. در همین رابطه مدیر کل کار استان قزوین گفت، ظرف ۸ ماهه اول سال جاری ۹۸۷ پرونده در هیئت های حل اختلاف اداره کل کار قزوین طرح شده که ۰۷۰ مورد آن منجر به صدور رای بازگشت بکار ۴۲۳ مورد منتهی به صدور رای اخراج کارگران شده است.

کوہ

یکی از مسئولان شهر صنعتی کاوه تعداد کارخانه های تولیدی فعال مستقر در شهر صنعتی کاوه را ۲۳۵ واحد اعلام کرده و اضافه نمود که از این تعداد، حدود ۱۰۰ واحد ضعیت مطلوب ندارند در آستانه تعطیلی اند. وی دریافت ۶۵ نوع عوارض از واحدهای تولیدی را از جمله مشکلات صنعت این شهرستان ذکر نمود . خواجه نوری معاون وزیر کار و امور اجتماعی نیز در این باره گفت، بیش از ۵۰ نوع عوارض و مالیات از واحدهای تولیدی دریافت نمی شود.

* مدیر کل صنایع چهار محال بختیاری گفت
طرح صنعتی این استان نیمه کاره رها شده است.

الكترولوكس تعطيل شد

شرکت لوازم خانگی مولد (الکترولولکس سابق) از اوائل آذرماه تعطیل شده است. با تعطیلی این کارخانه که در حومه شهر ساوه واقع شده است، ۴۵ کارگر از کار بیکار شده اند. علت تعطیلی کارخانه که ازاوائل سال ۷۲ به بخش خصوصی واگذار شده بود، آتش سوزی اعلام شده است. کارگران این کارخانه با مراجعت و تجمع در محل اداره کار و خانه کارگرساوه، خواستار بازگشت به کار شده اند.

حوادث ناشی از کار

بر اساس گزارش و آمار اعلام شده‌از سوی اداره کل امار و محاسبات پیمایی سازمان تامین اجتماعی که در روزنامه‌رسالات ۱۴ اذرینز به چاپ رسیده است، در طول پنج ماه‌ها اول سال جاری تعداد ۴۸۹۶ نفر از کارگران در حین کاردچار حادثه شده اند که از این تعداد، ۴۷ مورد منجر به مرگ و ۱۱۸ مورد منجر به ازکارافتادگی کلی و جزئی کارگران شده و ۲۸۳ کارگر نیز حدود ۳۳ درصد از توان جسمی خود را از دست داده اند. همین آمار می‌افزاید، حدود ۸۰ درصد این حادثه‌ها به مصدوم شدن کارگران از تابعیت ناخالص دستو پا شده است. بالغ بر ۲۷۶۰ کارگر از ناخالص دست و انگشتان دست و ۱۱۲ کارگر از ناخالص پا و انگشتان پا در حادثه شده اند. گفتنی است که بربایه همین آمار، "حوالاشی" که منجربه فوت شده است، تقریباً ۲۷۶۰ نفر است.

و عرامت نقص و مقطوع شده است " در مقایسه با
مدت مشابه سال قبل (۷۶) به ترتیب بارشی معادل
درصد ۲۷ درصد روبرو بوده است. شایان ذکر
است که گزارش یاد شده، علت حواست فوق را،
بی احتیاطی، استفاده از وسائل بی حفاظ و خراب،
پوچشیدن لباس نامناسب و فقدان اطلاعات دانسته است.
گزارش البته توضیح نداده است که چرا کارگر بایستی
لباس نامناسب برتن کند؟ چرا باید از وسائل بی
حفظ و خراب استفاده کند و خواسته است تا جنایات
سرمایه داران را که هر ساله صدما کارگر قربانی
مطاعم آزمدناه آنها میشوند، پنهان کند.

صد هزار کارگر اخراجی روزنامه کار و کارگر مورخ ۱۷ آذر ۷۷ از قول روحجمبوب دبیر کل خانه کارگر نوشت، "در یکسال فقط صد هزار نفر از کارگران واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی اخراج شده‌اند" نامبرده همچنین اضافه کرد که در همین مدت "۶۰۰ هزار کارگر در قالب قراردادهای موقت، بکار مشغول شده‌اند".
بعبارت دیگر نه فقط ۱۰۰ هزار کارگر ظرف مدت یکسال اخراج شده‌اند بلکه ۶۰۰ هزار کارگر دیگر نیز که اجباراً قراردادهای موقت کارراً امضا کرده‌اند، از حقوق و مزایایی کامل کارگران رسمی محروم‌اند و هر لحظه در معرض اخراج قرار دارند.

اخرج و پیکاری

مدیر کل کارآذربایجان غربی اعلام کرد در سال ۱۴۰۵ تن از کارگران شاغل در واحد های تولیدی این استان اخراج شده اند. وی همچنین اضافه کرد که امسال ۳۶۰۰ تن از کارگران درخصوص اخراج و مزایای قانونی خویش به هیئت حل اختلاف این اداره کل شکایت کرده اند و این شکایت ها نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. او گفت چنانچه به واحدهای تولیدی این استان توجه نشود، رقم اخراج ها در سه ماهه آخر سال، به سه برابر آمار حاضر خواهد رسید.

اخرج کارگران نیز پوشش
توافق کارگرو کار فرما!

مدیر کل کار و امور اجتماعی استان سمنان اعلام کرد طی ماه گذشته ۲۲۹ نفر شاکی به ادارات کار استان مراجعه نموده اند که موضوع شکایت ۱۳۹۲ تغیر از آنها اخراج از کار بوده است که ازین تعداد حکم بازگشت به کار ۳۵۵ نفر صادر شده و ۵۶۵ نفر نیز اخراج شان مورد تائید قرار گرفته است و بالاخره شکایت ۴۷۲ نفر منجر به "توافق" طرفین شد. استان سمنان در همان اول بر حکم اخراج نیمی از کارگران شاکی مهر تائید زده اند، حدود یک سوم کارگران شاکی را تحت عنوان "توافق" از کار بیکار ساخته اند و تنها برای یک چهارم از کارگران شاکی، حکم بازگشت بکار صادر کردند! وهمه کارگران می دانند که از صدور حکم بازگشت به کار تا بازگشت واقعی بکار، فاصله خیلی زیاد است. چرا که بسیاری از کارفرمایان حتی برای این احکام نیز پیشیزی ارزش قائل نیستند. استان سمنان نمونه‌ای از عملکرد هیئت های باصلاح حل اختلاف را نشان می دهد و حاکی از آن است که این ارکانها بر حکم اخراج دهها هزار کارگر درسراسر کشور چه تحت عنوان مستقیم اخراج و چه زیر پوشش "توافق" مهر تائید زده اند. سخنان معاون وزیر کار و امور اجتماعی می تواند ابعاد این قضیه را اندکی روشن کنند او میگوید از حدود ۹۰ هزار درخواست شکایت به مراجع تشخیص و حل اختلاف، ۳۵ هزار مورد به توافق طرفین کارگران و کارفرمایان منجر شده است! یعنی سویی آنکه دهها هزار تن از کارگران که مستقیماً حکم اخراج آنها صادر شده است، ۳۵ هزار تن از کارگران نیز تحت عنوان "توافق" از کاربیکار شده اند.

۱۳ ماه است که حقوق کارگران

نماينده بهشهر در جلسه روز يازدهم آذر مجلس ارتفاع به وجود مشکلات کارگران کارخانه چيت سازی بهشهر، از جمله به مشکلات و دشواری های معيشیتی کارگران اعتراف نمودو وزیر صنایع را نیز بپایان مسئله توجه داد. وی در سخنان خودان جمله چنین عنوان کرد که کارخانه چيت سازی بهشهر، در اثرسو مدبیریت، حدود ۴/۵ مiliارد تومن دبهی سازآورده است و هم اکتفون ۱۸۰۰ نفر از کارگران این



اطلاعیه

ادامه ترور و وحشت

رژیم سرکوبگر و ارتقای جمهوری اسلامی با حدت تمام به سیاست ترور و وحشت ادامه می‌دهد. در پی ترورهای وحشیانه چند هفته اخیر، امروز خبر رسید که دقیقاً به همان شیوه‌ای که محمد مختاری ناپدید شد و به قتل رسید، از بعد از ظهر دیروز محمد جعفر پوینده، نویسنده و متربج نیز ناپدید شده و تاکنون از سرنوشت وی اطلاعی در دست نیست. مسجل است که محمد جعفر پوینده توسط نیروهای دستگاه امنیتی و سرکوب جمهوری اسلامی ریوده شده است. چرا که او نیز همانند محمد مختاری، از منتهی پیش فعالانه برای تجدید فعالیت علی‌کانون نویسنگان تلاش کرد و دستگاه قضائی و امنیتی جمهوری اسلامی اورا تهیید کرده بودند که فعالیت خود را متوقف سازد. با توجه به ترور وحشیانه محمد مختاری به دست آم کشان حکومت اسلامی، ییم آن می‌رود که پوینده نیز سروشتش مشابه محمد مختاری پیش از این که فرست از دست بود باید دست به یک مبارزه و تلاش بین‌المللی برای رهانی وی از چنگال جلان خون آشام حکومت اسلامی زد. نباید اجازه داد که رژیم ترور و وحشت به این اقدامات جنایتکارانه ادامه دهد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقیان)
۱۳۷۷/۹/۹



جنایتکاران جمهوری اسلامی پوینده را به قتل وساندند

جوخه‌های ترور دستگاه‌های امنیتی و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی محمد جعفر پوینده راکه از بعد از ظهر چهارشنبه ریوده بودند، به قتل رسانند. جسد بی جان محمد جعفر پوینده، نویسنده و متربج، صبح امروز ۲۲/۹/۷۷ در حالی که شکنجه وسیس خود شده بود، در اطراف تهران پیداشد.

این پنجمین قتل سیاسی است که در سه هفته اخیر در ایران به وقوع پیوسته است. پیش ازین داریوش و پروانه فرهنگی، مجید شریف و محمد مختاری توسط جوخه‌های مرگ حکومت اسلامی به قتل رسیده بودند.

طبق اطلاعاتی که انتشار یافته، دستگاه‌های سرکوب و کشتار حکومت اسلامی، کشتار تعادل دیگری از مخالفین نویسنگان را درستور کار قرارداده اند.

اعتراضات و اقداماتی که تاکنون برای متوقف ساختن این موج کشتار صورت گرفته کافی نیست. باید مبارزه وسیع تری را در سطح بین‌المللی علیه این وحشی گری های حکومت اسلامی سازمان داد. جان دهها صدهاندان دیگر در خطرداشت. مبارزه برای متوقف کردن این وحشی گری و کشتار ارشیدیکیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقیان)
۱۳۷۷/۹/۲۲

خبری از ایوان

به ترتیب، ۱۲/۵، ۱۲/۶ و ۱۲/۷ درصد، افزایش ۱۰۰ درصد افزایش یافت. این افزایش بهی کالاها در حالی انجام می‌گیرد که کارگران و زحمتکشان با تلاش شبانه روزی فیزی نمی‌توانند زندگی خود را تأمین کنند. یک کارگار شبانه باک مرکزی از هزینه‌ها و درآمدی خانوارهای شهری حاکی است که در رسال کذشته متوسط هزینه ناخالص یک خانوار در ماه ۱۴۲ هزار توانمن بود درحالی که درآمد ناخالص ماهانه یک خانوار شهری ۱۲۱ هزار توانمن بوده است. این واقعیت هم روشن است که دستمزد ماهانه اغلب کارگران به نیمی از درآمد اعلام شده نمی‌رسد.

اعتراض دانشجویان به حراست
روز پنجمین پیغمبیری ۱۶ آذرماه، حراست داشتکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران برای یکی از دانشجویان این دانشگاه ایجاد مزمانت نموده وی را باختراع و ضعیت ظاهری اش مورد سؤوال و اهانت قرار میدهد و سپس با این دانشجو کل اویز شده وی را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. دانشجویان که از آن حرکت حراست با خبر می‌شوند، در اعتراض به آن دست به تحصن زندن و این اقدام را محکوم کردند.

۲۱ زندان و بازهم کمیود جا

مرتضی بختیاری جانشین لاجوردی معدوم، رئیس سازمان زندانها گفت در حال حاضر ۱۶۲ هزار زندانی در کشور وجود دارد که از این تعداد ۹۶ هزار و پانصد نفر را معتادان و مجرمین مواد مخدوشکشیل میدهدند. نامبرده در همان حال که تعادل زندان‌های کشور را ۲۱ باب ذکر نمود، از کمیود جا و فضا برای زندانیان صحبت کرد معهداً هیچگونه صحبتی در مردم را نمی‌کند، در مورد این اتفاق از خود در فرمان قتل تعادل بخاطر اعقادی خوش در زندانها بسیار میرند کاملاً سکوت کرد. او در مورد بازدید خبرنگاران از زندان‌ها گفت: "اثین نامه بازدید خبرنگاران از زندان‌ها در حال تدوین است"

۲۶ میلیون بی سوادو کم سواد

رئیس نهضت سواد اموزی حکومت اسلامی در اولیه دی ماه اعلام کرد که در ایران حدود ۱۶ میلیون کم سواد و بیش از ۱۰ میلیون بی سواد توضیحی ندارد. نامبرده در مردم ۱۶ میلیون کم سواد توضیحی ندارد. اما بنتظیر میرسد که سواداین تعداد در آن حداست که وی آنها را در کنار بی سوادان قرارداد. با این حساب معلوم می‌شود که برغم ادعاهای حکومت مبنی بر کاهش بی سوادان به ۲۵ درصد، هنوز حدود ۵۰ درصد جمعیت ایران بی سوادند. وی در ادامه صحبت خود گفت که ریشه کن ساختن بی سوادی با شیوه‌های مرسوم در ایران امکان پذیر نیست، بلکه باید طرح اجرایی سواد اموزی به مرحله اجرا در آید که شورای نگهبان با آن مخالف است. نامبرده همچنین گفت که بعلت مشکلات مالی دولت، ۲۰ درصد از اعتبارات سواد آموزی کاسته شده و ۵۰ درصد کارکنان نهضت سواد آموزی تعديل شده اند.

در لیست کمکهای مالی درج شده در شماره‌های قبلی نشریه کار متسافنه کدهای مالی زیر از قلم افتاده بود، که ازین قرار است:

| دانمارک | ۹۸_۵_۲۹ |
|--------------|---------|
| کرون دانمارک | ۵۰ |

| دانمارک | ۹۰۰ |
|--------------|---------|
| کرون دانمارک | ۹۸_۲_۲۷ |
| کرون دانمارک | ۹۸_۳_۲۱ |
| کرون دانمارک | ۹۸_۴_۳۰ |

در توضیح و تصحیح

زیر از قلم افتاده بود، که ازین قرار است:

| دانمارک | ۹۸_۵_۲۹ |
|---------|---------|
| امیر | ۳۰۰ |
| نظم | ۴۰۰ |

وقتی که سازمان دهنگان قتل و توطئه، می‌خواست و می‌خواهد با حاکم کردن جور عرب و حشمت بر فضای جامعه هربانگ مخالفی را خاموش کند، مخالفین را از هر دستگاهی، قلع و قمع کنند و جنبهای اعتراضی را در نظره خفه سازد. اما نکته اینجاست که در همین محرومی ترین هدف، ارتقای اسلامی تیرش به سنگ خورد. اقدامات جنایتکارانه اخیر، نه تنها نویسنگان و روشنگران و دستادر کاران مطبوعاتی را خاموش نساخت، که صدای آنها را بلند تر ساخت و به جنبش‌های اعتراضی توده ای نیز دامن زد.

اما نکته بسیار مهم و اساسی این است که سران همه جناح‌ها، این قتل‌ها و جنایات را محکوم کردند! وقتی خامنه‌ای البته بعدازدرو هفتۀ تاختیر، این قتلها را محکوم کرد و آنرا توطئه دشمن و کارگنجی خواند، سایر سران رژیم نیز به تبعیت از او چنین کردند. نکته‌اینچاست که سران جناح مسلط که سرخن تمام این جنایات و اقدامات سرکوبگران را درست دارد و اقدامات تا پیش از قتل‌های از جمله حمله به مطبوعات، حمله به تجمعات، حمله به هیئت آمریکائی و امثال آنرا مستقیم و غیرمستقیم پذیرفته بودند و بالاتفاق از آن یاد می‌کردند، در مورد این آدم ربایی ها و قتل‌های فجیع نه فقط سکوت کردند، که حتی مجرور شدند علیه چنین اقداماتی موضع بگیرند و خلاصه آنرا کار دشمن و اجنبی به شماره اوردن. هرچند که این ریکارهایها همه مردم می‌فهمند، اما این قضیه کویای این حقیقت است که ارتقای اسلامی در عین پیشروی مجبور به عقب نشینی است! صاحبان و دوستان انقلاب اسلامی در کار حفظ این انقلاب، کارشان بجائی رسیده است که اقدامات خود برای نجات انقلاب را به دشمنان انقلاب نسبت میدهند! وقتیکه سازمان دهنگان توطئه و قتل، خود فرمان قتل توطئه را صادر کردند و نکته در همین است. آنان علی‌رغم همه پیشرویها و پیروزیها، درینجا، آشکارا عقب نشسته و شکست خورده اند!

* زیرنویس‌ها
۱ - خانمی روز ۱۶ آذر در جمیع دانشجویان گفت:

"ما اکنون در مقابل سه جریان قرار داریم یکی جریان شکست خورده‌گان انقلاب یعنی کسانی که قبل از پیروزی انقلاب بر این کشور حاکم بودند و یا وابستگان به آنها که انقلاب را نمی‌پذیرند، جریان دوم و ایسکگاریانی که معتقدند انقلاب اسلامی با دین سازکار نیست و جریان سوم تجدید نظر طلبان که به محض اینکه مشکلی احساس می‌کنند از گشته خود توبه می‌کنند، در حالیکه اگر گشته نداشته باشیم نمی‌توانیم آینده داشته باشیم"

۲ - روزنامه رسالت برگزیده داشته باشیم" و ملاقات با آنها "ضیافت شیطان" نام نهاد!

۳ - انصار حزب‌الله، در بیانیه‌ای که در باره دعوت هیئت ۱۳ نفره‌آمریکائی صادر کرد و در رسالت ۱۸ آذر نیز بچاپ رسید، چنین نوشت "انصار حزب‌الله... خود را برای مقابله با شبیخون سیاسی جدید شیطان بزرگ و برگرفتن تقاب تزویر و ریا از چهره سازشکاران خائن ایران داشته و... در صورت ورود مجدد عناصر جاسوس و جنایتکار آمریکائی... آنچنان درسی به آنان خواهد داد که این بار حتی فرست قرار مقتضانه نیز از عوامل مزدور آنان در پیگردید"

۴ - "آن شمشیر کجاست؟!" سرمقاله رسالت ۱۶ آذر مهند کاظم انبار لوئی

۵ - "حزب مشارکت ایران اسلامی" که شماری از طرفداران خاتمی آن را بیان گناری کرده و در آن مشکل شده‌اند، روز ۱۴ آذر ۷۷ اعلام موجودیت کرد.

۶ - سروش در نامه سرگشاده اش از خاتمی به عنوان "سردار شرمندگی" یاد کرده است.



اطلاعیه

بیماران موشکی و کشته ترده های مردم بی دفاع عراق را محکوم می کنیم

از نخستین ساعات پامداد پنجشنبه در حالی که مردم عراق در خوب به سر می برند، دولت های آمریکا و انگلیس، بغداد و پارچه شهرهای دیگر عراق را با موشک های مرگبار مورد حمله قرار دادند تاکنون متوجه از ۲۰۰ موشک به سوی عراق شلیک شده است. طبق اخباری که تاکنون انتشار یافته دهها تن از مردم بی دفاع عراق در پیجه این بیماران موشکی کشته و صدها تن زخمی شده اند.

این اقدامات تجاوز کارانه دولت های آمریکا و انگلیس که حتی برخلاف نظر و تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل انجام گرفته، گروی این واقعیت است که این دولتها هدف دیگری را جز تحکیم موقعیت خود در منطقه خاور میانه و خلیج فارس و بوشهر پیشبرد و تأثیم مناطق انحصارات نفتی و نظامی درین منطقه دنبال نمی کنند.

این که حمله نظامی درست در آستانه استیضاح رئیس جمهور آمریکا انجام گرفت، این واقعیت را نیز نشان می دهد که سیاستمداران آمریکائی، ترده های مستبدی مردم عراق را به سادگی قیاسی بازیهای سیاسی خود کرده اند.

کارگران و زحمتکشان و عموم ترده های مردم عراق زیر فشار همه جانبی ای قرار گرفته اند. آنها از یک سو باید فشارهای رژیم سروکیگر را تحمل کنند، از سوی دیگر با فقر و فلکت و گرسنگی ناشی از تحریم اقتصادی روپرور هستند و بالاخره باید زیر بیماران موشکی دولتهای آمریکا و انگلیس جان خود را از دست بدند و خانه و کاشانه شان ویران شود.

ادعا های توجیه گرانه دولتهای آمریکا و انگلیس برای حمله موشکی به عراق نه تنها از نظر سیاسی بی پایه است، بلکه از نظر نظامی نیز که گویا اهداف نظامی رژیم صدام را هدف قرار داده اند، کاملاً پیچ و بی اساس است. موشک هایی که به سوی عراق شلیک شده اند، اغلب در مناطق مسکونی فرو آمده اند، حتی یکی از این موشک ها به خرم شهر اصابت کرده است.

اقدامات آمریکا و انگلیس نه تنها علیه مردم عراق بلکه کل منطقه و از جمله مردم ایران است. چرا که با بروز این بحران، رژیم ارتجاعی و سروکیگر جمهوری اسلامی فرست دیگری پیدا می کند تا به بیانه بحران جنگ برداشته اقدامات میلیتاریستی و سروکیگرانه خود پیازاید و در عین حال افکار عمومی مردم جهان را که طی چند هفته اخیر روی سروکیگرها و جنایات وحشیانه حکومت اسلامی متصرک شده بود، منحرف سازد.

لذا ما اقدامات نظامی دولتهای آمریکا و انگلیس را به عنوان اقدامی که مغایر منافع ترده های عراق و کل منطقه است، شدیداً محکوم می کنیم و خواهان توقف فوری اقدامات نظامی هستیم.

سازمان فدائیان (افقی)
۱۳۷۷/۹/۲۶

گزیده ای از نامه های رسیده

درآنها به مسائل مختلفی پرداخته شده است که مجال ااضاً "کمیته مبارزه با رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران" مورخ ۱۵ دسامبر، به اشغال لانه جاسوسی دفتر هوا پیمائی شده و گفته شده است، "شماره از فعالین چپ کمونیست مخالف رژیم اسلامی حاکم برایران، دفتر هوا پیمائی رژیم اسلامی را در اعتراض به آدم ربائی ها و کشته راهی اخیر توسط جمهوری اسلامی باشغال خود در آوردن" و "پس از نوشتن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی بدر و دیوار این دفتر و پائین کشیدن عکس سران جنایتکار این رژیم محل را ترک کردند" در انتهای این بیانیه گفته شده است، سران جمهوری اسلامی باید با خاطر دو ده جنایت شان علیه مردم ایران در یک دادگاه مردمی محاکمه شوند"

آلمان _ از آلمان یک متن تایپی یک صفحه ای تیتر "پیمان ما" مورخ ۱۹ دسامبر ۹۸ برایمان ارسال شده است که در زیر آن نام عباس سماکار (سخنران در فراخوان کانون نویسنده کانون ایران در تبعید) نیز آورده شده است. این متن برای چاپ در نشریه ارسال شده است که در اینجا به درج قسمتی از آن مبارزت می کنیم "... در ایران امروز، مدام مردم را می کشند؛ زنان را بازنجیر عقب ماندگی و بی حقوقی تخته بند می کنند؛ نان و آسایش را از ترده های کاروزخت دریغ می دارند، عصیان آنها را با گلوله پاسخ می دهند؛ زنانها را از فرزندان برومده ماساکنده می سازند و سرانجام فریاد سربازان حرفا های آزادی را با آدم دزدی و شکنجه وقتی پاسخ می دهند.

اینک نعش این عزیزان بروی دستان ما مانده است. اما شورزندگی از مقابله باز نمی ماندو زبان انسان در پرخاش به این آزادی کشی به بیان می افتد و عمل او در برایران جنایت به انجام میرسد و چنین است که اینو ه تاریخ ساز و عدالت خواه مردم، به میدان می آید تا حق خویشتن را ازدزدان باز ستاند. پس آیا این حقیقت که آزادی رانی تواند از درگاه آزادی ستیزان گذائی کرد، شعار ما نیست؟ آیا، تمامی آدم خواران حاکم در رژیم جمهوری اسلامی، در ره رشکل و شعار و رفتار، مسئول دزدی آزادی، قتل فرزندان مردم، برقای زندان ها، شکنجه کاهها و بی حقوقی های همه جانیزنان و مردان میهن ما نیستند؟ آیا فردا نیز این جنایت ها تکرار نخواهد شد؟ و سرانجام، آیا نباید براین افسانه دروغین جناحها قلم کشیدو یکصد و هم دست به حاکمیت نکبت بار این حکومت غیر انسانی خاتمه بخشید؟

بی شک پاسخ نهائی این پرسش را مردم ایران خواهد داد و از همینکه که یکی از تاریک ترین دوره های تاریخ حیات خود را می گذراند، نشان دفاع و مبارزه و فراخواش به هم آوایی و هم راهی همه آزادی خواهان جهان اعلام گشته است.

و من، در اینجا، به پشت کرمی مردم می هنم، بعنوان یک نویسنده و یکی از اعضای کانون نویسنده کارگری ایران در تبعید، خاطره همه جانیزنان راه آزادی را گرامی می دارم و پیمان را در دفاع از آزادی با هم وندان جان باختنام در کانون نویسنده کانون ایران، از سعید سلطانپور تا محمد مختاری و محمد جعفر پوینده تجدید می کنم.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و عدالت

توصیح کوتاهی برستون گزیده ای از نامه های رسیده

_ رفقا و دوستانی که برای ما نامه می نویسند، چنانچه مایل نیستند نام آنها در نشریه کار آورده شود، توجه داشته باشند که خودشان این موضوع را در نامه قید نکند. عدم تذکر این مسئله، معنی عدم مخالف نویسنده نامه با درج نام خود در نشریه کار می باشد و در این صورت نشریه کار نسبت به درج نام نویسنده نشانی میگیرد.

_ تحریریه کار در گزینش نامه ها برای درج در نشریه کار و کوتاه کردن آنها مجاز است.

_ نشریه کار این اختیار را دارد که قسمت یا قسمت هایی از نامه های رسیده و همچنین یادداشت هایی را که از تشکلهای دمکراتیک دریافت می کند، انتخاب کرده و آنرا بچاپ برساند. درج این مطالب، لزوماً معنی تائید موضع نویسنده کان نامه یا تشکلهای نمایش دارد.

_ از همه رفاقت دوستانی که برای ما نامه مینویسند در خواست میکنیم نامه خود را اگر تا پایی نمیکنند، با خط خوانا بنویسند. تاریخ ارسال و نام خویش را در نامه قید کنند و آدرس فرستنده را نیز با حروف درشت و در هر حال بطور خوانا بنویسند. با تشکر قبلی

هلند _ از رتردام هلند نامه ای با ا مضای "کانون دمکراتیک پیام" بدستمان رسیده است. در این نامه از سازمان خواسته شده است مطبوعات خود را (برای "کانون" که "مورد رجوع پناهندگان، پناه جویان و ایرانیان" است ارسال کند که علاقه مندان به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی" بتوانند با سازمان و نشریه کارآشنا شوند. آدرس این کانون در اختیار انتشارات سازمان قرار گرفت تا سبب به ارسال نشریه کار اقدام شود.

آلمان _ "کتابخانه ایرانیان اشتوتگارت"، شماره ۲۱۶ نشریه کار (مرداده!) که برایتان ارسال شده بود، برگشت خورد! تا اینکه نامه شما مبنی بر تغییر آدرس البتہ با تاخیر (آذرماه) بدستمان رسید. آدرس جدید شما برای ارسال نشریه، در اختیار انتشارات سازمان قرار گرفت. شماره برگشت خورده نیز مجدداً برایتان ارسال خواهد شد. در همینجا از همه دوستان و تشکل هایی که نشریه کار برایتان ارسال می خواهیم که تغییر یا تعویض آدرس خود را فوراً به اطلاع ما برسانند تا از دوباره کاری و صرف هزینه اضافی جلو گیری شود. موفق باشید.

آلمان _ از طرف نشریه "پژوهش کارگری" نامه کوتاهی برایمان فرستاده شده است. همراه این نامه بروشور مربوط به دومن شماره "کتاب پژوهش کارگری" نیز ارسال شده است. متن اسفله این بار هم این دستگاه را که می توانست در شناخت از مضمون و معرفی آن موثر باشد تاکنون برایمان نفرستاده اند. در هر حال تلاش در امر شناخت جنبش و مبارزه کارگری بیویزه کمک به این مبارزه در هر عرصه و محدوده ای ارزشمند است.

* چندین اطلاعیه و بیانیه از طرف "کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید"، "هاداران ادبیات و هنر مردمی در تبعید" و "کمیته مبارزه با رژیم تروریستی جمهوری اسلامی ایران" برایمان فاکس شده است که

با کمکهای مالی خود
سازمان فدائیان (افقی)
را یاری رسانید

**اطلاعیه**
**رژیم می خواهد با قربانی
کودن چند مهره خود را نجات دهد**

پس از آنکه روزنامه سلام صبح امروز سه شنبه ۱۵ دی ماه دریک یادداشت سیاسی، از دخالت مأموران دستگاه امنیتی و اطلاعاتی رژیم در قتل های اخیر سخن به میان آورد، روابط عمومی وزارت اطلاعات، امشب با صدور اطلاعاتی ای اعلام کرد که «موفق گردید شیوه را شناساند، دستگیر و تحت تعقیب و پیگرد قانونی قرار دهد» در ادامه این اطلاعاتی آمده است «معنویت از همکاران مستولیت ناشناس، کج انتیش و خودسر این وزارت که بی شک آلت دست عوامل پنهان قرار گرفته و درجهت مطابع یگانگان دست به این اعمال جنایتکارانه زده اند در میان آنها وجود دارد»، اعتراف به اینکه کشته های اخیر توسط دستگاههای امنیتی و سرکوب حکومت اسلامی سازماندهی و اجرا شده است، مستثنی از تمام جهات و جوانب دیگر مسئله، سند عربان و آشکارگیری بر محکومیت رژیم جمهوری اسلامی به عنوان رژیم ضد انسانی و جنایتکار است. رژیمی که تا به امروز دهها هزار تن از مردم ایران را با خاطر اعتقاد اشنان بیرحمانه به قتل رسانده است. رژیمی که تنها در جریان قتل عام هولناک زندانیان سیاسی، هزاران انسان را طی چندروز کشته کرد. بنابراین، اعتراف به کشته های چندروز اخیر، تنها اعتراض به جزء سیار کوچک و ناجیزی از مجموعه جنایاتی است که رژیم جمهوری اسلامی در ۲۰ سال گذشته به آن دست زده است.

از آنجا که خصلت ددمنشانه و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی از مدتی پیش بر مردم ایران آشکار شده است، در جریان ترورهای اخیر، از همان آغاز مردم ایران یک صدا انگشت اتهام را بسوی رژیم نشانه رفتند. هیچ کس کمترین تردید نداشت که این قتل های وحشیانه توسط دستگاه سرکوب و کشته امنیتی رژیم انجام گرفته است. معهداً سران جنایتکار حکومت اسلامی به مظفر فرب مردم ورد گم کردن، مذیحانه تلاش نمودند، این قتل ها را به عوامل و دستهای موهوم در خارج از مزه های ایران نسبت دهند. مرتجلیعنی امثال علی خامنه ای، یزدی، ناطق نوری، هاشمی رفسنجانی، موسوی لاری و دیگر عوامل ریز و درشت رژیم یک صدا این قتل ها را «توطنده ای سازمان یافته از خارج برای بدnam کوند حکومت اسلامی» معرفی کردند. اما هنگامی که دریافتند دیگر هیچکس ارجیف آنها را باور ندارد، زیر فشار اعتراض و مبارزه مردم ایران و فشارهای بین المللی، اکنون ناگیر شده اند چند مهره دست دوم را قربانی کنند تا خود را نجات دهن.

برای مردم ایران این حقیقت از روز روشن تراست که ادعای وزارت سرکوب و کشته را جاسوسی رژیم مبنی برایش کند مأمور این دستگاه خودسرانه دست به این قتل های وحشیانه زده اند، یک عوام فربی محض است. اینان صرفاً عاملین اجرائی تصمیماتی هستند که رهبران حکومت اسلامی گرفته اند. این دستگاه مستقیماً تحت نظر این شخص خامنه ای است. تمام اقدامات جنایتکارانه وزارت اطلاعات از جمله در دوران فلاحیان و وزیر اطلاعات کنونی زیر نظر مستقیم خامنه ای انجام گرفته است. سران رژیم بیهوده تصور میکنند که با دستگیری چند عامل دست دوم و سوم و محکمه آنها در یکی از دستگاههای رژیم که در رأس آن یزدی قرار گرفته می توانند خود را از مخصوصه بحران کنونی نجات دهند. مردم ایران خواهان درهم کوییده شدن تمام دستگاه امنیتی و اطلاعاتی رژیم، تمام دستگاههای سرکوب رژیم، درهم کوییده شدن کلیت رژیم جمهوری اسلامی و محکمه تمام سران این حکومت جهل و جنایت هستند و تا پیروزی به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

**سونگون باد رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقیت)**

۱۳۷۷/۱۰/۱۵

کار- فان - آزادی - حکومت شورائی

موج حرکات اعتراضی نسبت به ترورهای اخیر

دعوت هیات هماهنگی تدارک تربیونال بین المللی برای محاکمه جمهوری اسلامی ایران برگزار گردید، هواداران سازمانها و چریانات سیاسی از جمله فعالین سازمان ما در هنر شرکت داشتند. تظاهرات کنندگان پس از جمیع سخنرانی در مقابل دادگاه لاهه و استنام سخنرانی نویسنده ای از سوی تربیونال و کانون توییضیون ضمن محکوم نمودن قتل های اپوزیسیون ضمیم فرقه، خواهان اعزام هیئت های بازرسی جهت پیگیری عاملین این کشته ها گردیدند.

در اعتراض به ترورهای اخیر در ایران که منجر به قتل دو تن از رهبران حزب ملت ایران و سه نویسنده گردید، موجی از آکسیونهای اعتراضی در خارج از ایران برگزار گردید. در این مراسم که زنجیروار در اکثر کشورهای اروپائی برپا شد، هزاران تن از نیروهای اپوزیسیون ضمیم فرقه، خواهان اعزام هیئت های بازرسی جهت پیگیری عاملین این کشته ها گردیدند.

در استرالیا، بعد از کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید و شورای پناهندگان مبارز سییدنی مراسمی در مقابل دفتر عفو بین الملل برگزار شد. در پایان مراسم فوق، قطعنامه ای در محکومیت ترورهای اخیر، به عفو بین الملل تسلیم شد.

همچنین در سوئیس، دانمارک و اتریش و چندین شهر آلمان حرکات مشابهی برگزار شده است.



اخیراً شماری از شعراء، نویسندها و مترجمین در نامه ای خطاب به مردم ایران، ضمن اعتراض نسبت به قتل های فحیج اخیر، و عدم امنیت جانی اهل قلم و اندیشه، خواستار پاسخگویی صریح مقامات مسئول حکومتی در این زمینه شدند. در میان ۵۰ امنیت کنندگان، از جمله اسامی زیر دیده میشود. ۱_ داریوش آشوری_ ۲_ سیمین بهبهانی_ ۳_ علی اشرف درویشیان_ ۴_ محمود دولت آبادی_ ۵_ فریبرز رئیس دانا_ ۶_ احمد شاملو_ ۷_ هوشنگ کلشیری_ ۸_ ابراهیم یونسی و ...

*خطاب به مردم ایران

*موطنان عزیز

صصیت بر مصیبت افزوده میشود و کسی پاسخگو نیست. مرگ های دلخراش اهل قلم در ماههای اخیر نشان دهنده خشونتی مهار گشخته است که هدفش نایابی آزادی و امنیت شهروندان و ایجاد آشفتگی در نظام جامعه مدنی است. هنوز از فاجعه هولناک قتل داریوش فروهر و همسرش دیری نگذشته است که جسد محمد مختاری نویسنده، شاعر، متکر پس از ریوده شدن وی، در سرد خانه پر شکی قانونی پیدا می شود. و هنوز نعش این شهید عزیز بربوری دست مامانده است که خبردار میشویم محمد جعفر پوینده نویسنده و مترجم ارجمند نایدید شده است. در این اوآخر شاهد مرکهای مشکوکو قتل های فجیع بوده ایم.

به اعتقاد ما امواج خشونت افرین در این روزها به عمد تدارک دیده شده است. ضمن افشاء این خشونت سازمانی افتاده ابراز عدم امنیت جانی اهل قلم و اندیشه خواستار پاسخگویی صریح مقامات مسئول مملکت هستیم و اعلام می داریم در صورت وقوع اتفاقاتی از این دست نهادهای قانونی از مسئولیت مشترک حفظ جان شهروندان میرا نخواهد بود. از تمامی کسانی که این موقعیت ضد آزادی و امنیت عمومی را بر نمی تابند می خواهیم به این وحشت آفرینی خانم دهن!

در فرانسه طی روزهای مختلف، حرکات و آکسیونهای متعددی برگزار گردید. روز ۵ دسامبر دهها تن از ایرانیان در تبعید و شورای همبستگی زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران و کمیته ایرانی ضد تروریسم دولتی ج. ۱. "دست به تظاهرات زندن".

روز ۱۶ دسامبر از سوی سازمانها و تشکلهای صنفی، تحصنی در ساختمان پارلمان اروپا برگزار گردید.

از روز ۱۸ دسامبر و به مدت ۹ روز آکسیونی تحت عنوان "صد ساعت برای همبستگی با نویسندهای کشته شده در ایران" بدیعت "انجمان دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران"، کانون نویسندهای ایران در تبعید و کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم طی ۹ روز اعتراضی، هزاران تراکت و اطلاعیه در محکومیت ترورهای اخیر توزیع شد. در مراسم پایانی این اعتراض صد ساعت، نمایندهای از سازمان حزب کمونیست فرانسه سخنرانی در حمایت از این حرکت و تقبیح جنایات اخیر در ایران ابراد نمود. سپس پیام "قدراسیون کارگران صنایع کتاب، کاغذ و ارتباط جمعیت. ژ. ت" قرائت شد. در خاتمه پیام همبستگی سازمانهای سیاسی از جمله تشکیلات خارج کشور سازمان قرائت شد.

در آلمان روز ۱۹ دسامبر صدها تن در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در بن به تظاهرات پرداختند. تظاهرات کنندگان جمهوری اسلامی را مسئول کشته های اخیر دانسته و خواهان محکمه رژیم حاکم شدند.

در هلند روز ۱۷ دسامبر، تظاهراتی در مقابل دادگاه لاهه با شرکت بیش از ۱۰۰۰ تن برگزار گردید. در این مراسم که به

شورای اسلامی شهر وروستا ،

تلاش مذبوحانه رژیم برای فریب مردم

پس از گذشت چند هفته از ترورهای وحشیانه ای که آخرین قربانیان آن محمد مختاری و محمد جعفر پوینده بودند، یزدی رئیس دستگاه قضائی حکومت اعلام کرد که "تا این لحظه افرادی در ارتباط با این قتلها شناسائی شده و برخی در اختیار هستند موضوع قتلها اخیر تقریباً در مرحله نیمه روشنی قرار دارد." وی وعده داد که "در آینه نزدیک، پرونده این قتلها به دادگاه ارجاع شود." سپس مشاور امنیتی یزدی نیز با اشاره به دستگیری افرادی در ارتباط با این قتلها، ازبه دست آمدن "سرنخهای" سخن گفت، اما ایشان هم جزئیات پرونده را به قطعی شدن آن موكول کرد. در این ضمن اعلام شدکه پرونده بدادسرای نظامی ارجاع خواهد شد. تا همینجا بازی و صحنه سازی حکومت مشخص است. اینها که به قول رئیس دستگاه قضائی "در اختیار" اند که هستند؟ چه کاره بوده اند؟ حالا کجا هستند؟ چگونه دستگیر شده اند؟ چرا هیچکس از جزئیات امر باخبر نیست؟ چرا پیشاپیش پرونده به دادسرای نظامی احاله شده؟ و ...

واضح است که هیچگاه پاسخ درستی به این سوالات داده نخواهد شد، چون مساله از اساس یک نمایش مسخره است. هیچ نقشه ابهامی در این که سازمانده و مجری ترورها چه کسانی بوده اند وجود ندارد. از همان نخستین ترورهای اخیر و باصطلاح پرونده فروهر کاملاً روشن بود که قتل آنها توسط مامورین دستگاه امنیتی و سرکوب رژیم صورت گرفته است. چه کسانی جزو ماموران دستگاه امنیتی رژیم میتوانستند واردخانه شوند و بدون این که سر و صدائی پیا شود این دو به قتل برسانند و خانه را ترک کنند. چه کسانی جزو مامورین دستگاههای امنیتی و انتظامی رژیم میتوانستند محمد مختاری و محمد جعفر پوینده را روز روشن از خیابان بر بایندو سپس به قتل برسانند. چه کسی جزو دستگاه امنیتی و سرکوب رژیم میتوانست از فعالیت این دو برای تجدید فعالیت علی کافی نویسنده کان مطلع باشد و محل کار وزندگی آنها رفت و امدشان را زیرنظر داشته باشد؟ بنابراین عاملین اجراء ترورها چنان شناخته شده اند که همه یکصدا انگشت اتهام را به سوی جمهوری اسلامی نشانه گرفته اند. این واقعیت انقدر بدهی است که حتی جناحی از درون خود رژیم نیز مستقیم وغیرمستقیم این جنایات را به جناح مسلط هیئت حاکمیت میتوانند که به دست کارگران و زحمتکشان شکل میگیرند. آنها ارگانهای اعمال حاکمیت مستقیم توده های مردم اند. لذا در جائی که این شوراهای به معنای واقعی کلمه پدید می آیند، قدرت واقعی در دست توده هاست. این شوراهای اسلامی به میکند، ارگانهای ضد شورا هستند. شوراهای واقعی، ارگانهای خودجوشی از درون خود مردم را زیرنظر داشته باشد؟ بنابراین عاملین هستند که به دست کارگران و زحمتکشان شکل میگیرند. آنها ارگانهای اعمال حاکمیت مستقیم توده های مردم اند. لذا در جائی که این شوراهای رژیم نیز مستقیم وغیرمستقیم این جنایات را به جناح مسلط هیئت حاکمیت میتوانند که دولت را تشکیل میکنند، درحالی که آشکارترین دلیل قلابی بودن شوراهای رژیم، این است که دولت میخواهد شورا تشکیل دهد. توده های مردم ایران، کارگران و زحمتکشان ایران، در جریان انقلاب نقش مهم و دمکراتیک شوراهارا هرچند در شکل نطفه ای آن دیدند. توده های مردم ایران خواهان شوراهای انقلابی و تشکیل آنها هستند، چرا که تنها از طریق شوراهای میتوانند قدرت سیاسی را بدست آورند، که میتوانند مستقیم اعمال حاکمیت کنند، و میتوانند یک رژیم حقیقتاً دمکراتیک برایان حاکم سازند، اما نخستین شرط تشکیل چنین شوراهای قیام مردم علیه حکومت اسلامی و برافکنند آن است.

را تلقین کند. چه کار میکند؟ از یک طرف باواسطه یابی واسطه، جنایت را مرتكب میشود. از یکطرف هم انکشت اتهام را به خود نظام متوجه میکند."

یزدی هم قتلها را توطئه ای سازمان یافته عليه نظام و امنیت اجتماعی معرفی نمود که از خارج هدایت شده است. عین همین عبارات رئیس مجلس ارتجاع اسلامی تکرار کرد و گفت "قتلای مرموز اخیر توطئه ای عمیق و هدایت شده از خارج است." دیگر سران و دست اندکاران حکومت نیز هر یک به نحوی همین سناریو را تکرار کردند. وزیر تعاوون که از بینانگذاران حزب مشارکت اسلامی طرفدار خاتمی است، ادعای کرد که "کشتن اهل قلم را باید یک توطئه سازمانده شده توسط سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) به حساب آوریم."

روزنامه های واپسده به جناح مسلط نیز یک صدآگفتندگان قتلها "توطئه مشترک مثلث شوم آمریکا، منافقین و صهیونیستها" است. رئیس جمهور هم به تکرار ملا آور یاوه سرایی های همیشگی خود ادامه دارد. فرمان پیکری مساله را به روال مسائل پیشین، صادر نمود و بازهم گفت بر "تمددخودمنی بردافاع از آزادیهای مشروع و حقوق شهروندان که در راس آن امنیت جانی آنان است، پای می‌نشارد". ادعای سران رژیم مبنی براین که ترورها از خارج از مرزهای ایران سازماندهی و هدایت شده، پوشالی تر از آن بود که کسی آنها را برآور کند. نه تنهانه و ترورهای اینها را به میان میکشید، بلکه موضع گیریها و تهدیدات سران رژیم قبل از این جنایات گویای واقعیت امربرود. سران رژیم از خامنه ای و یزدی گرفته تا فرماندهان نیروهای انتظامی و نظامی، از مدت‌ها قبل مخالفین، نویسندهان و روزنامه نگاران را مورد تهدید قرار داده بودند. فرمانده سپاه پاسداران نخستین کسی بودند که شهادت رژیم را لوداد و گفت ما عمدتاً گذاشته ایم اینها سرشان را بلند کنند و به موقع سرهای آن را می‌زنیم و زبانهایشان را می‌بریم. نعره‌های جنون آمیز یزدی و تهدیدنویسندگان و روزنامه نگاران را هم به خاطر دارند. خامنه‌ای خود یک هفته قبل از آغاز ترورها به قول خودش اتمام حجت کرد و از مسئولین دستگاه دولتی خواست که برای سرکوب مخالفین و نویسندهان دست به کارشوند. از این جهت نیز روشن است که ترورهای اخیره نه هدایت شده و سازمان یافته از خارج، بلکه سازماندهی شده و برنامه ریزی شده توسط خود رژیم جمهوری اسلامی و دستگاه های امنیتی، نظامی، انتظامی و قضائی آن است که ابعاد آن به همین جا نیز ختم نمی‌شود. دستگاه قضائی رژیم بیهوده میکشد و رد گم کند و مردم را فریب دهد. حالا دیگر همه میدانند که این کار خود رژیم است. در نتیجه همین آکاهی مردم و فشارهای داخلی و بین المللی است که سران رژیم به تکاپو افتاده تا به نحوی سر و ته قضیه را به هم آورند. از این روست که اعلام می‌شود دستگاه قضائی در حال پیکری مساله است. یزدی میگوید سرنخهایی از قاتلین بدست آمده و ممکن است برخی دیگر نیز دستگیر

تسليحاتي ميکنند. شريان اصلی نقل و انتقال نفت را در اختیار خود ميگيرند و سودهای کلانی از اين جهت عايد انحصارات نفتی ميسازند، و غيره. در حقیقت اهداف آمریكا و نیزانگلیس از ایجاد بحرانها و درگیریهای نظامی در چند سال گذشته همین امر بوده است. امپریاليسم آمریکا برای پیشبرد اهداف خود میکوشد از ابزارها و وسائل مختلف سیاسی و نظامی استفاده کند. کاه این سياسترا از طریق شورای امنیت و مصوبات آن پیش میبرد. کاه به نام سازمان ملل و شورای امنیت حتی جنگ برای می اندارد و زمانی هم که نتواند از طریق سازمان ملل و شورای امنیت سیاست خود را پیش برد، راسا دست به عمل نظامی میزند که نمونه آن اقدامات نظامی اخیر آمریكا عليه عراق بود. درحقیقت، اساسا برای تحقق این اهداف بود که آمریکا و انگلیس دست به حمله نظامی علیه عراق زندن. معهذا این حمله نظامی به جای اینکه موقعیت آمریکا را در منطقه و عرصه بین المللی تقویت کند، آنرا تعزیف نمود. در جریان این حمله نه تنها مردم منطقه علیه آمریکا بودند بلکه حتی تعدادی از دولتهای مرتاجع منطقه نیز با این حمله نظامی مخالفت کردند و متعددین پروپاگران آمریکا در منطقه نیز نتوانستند علنا از این اقدام تجاوز کارانه آمریکا و انگلیس حمایت کنند. در عرصه بین المللی نیز آمریکا و انگلیس منفرد شدند و تضاد میان قدرتهای امپریاليستار و پائی با آمریکا تشیدگردید. حمله آمریکا و انگلیس عجالتا به زیان آنها پایان یافت. اما کشمکش و بحران ادامه خواهد یافت و بعد نیست باز هم آمریکا و انگلیس حملات نظامی دیگری را به عراق سازمان دهن.

طبقه کارگر و آزادی های سیاسی

خواهی آنها کسی است که سالها در راس دستگاه نقشی و سانسور حکومت بوده است. سمبول آزادی خواهانها کسی است که یکی از منفورترین جلادان قرن حاضر را که در کشتار و شکنجه دهها هزار انسان دست داشت، سردار بزرگ حکومت خودمی داند. اما حکومت اسلامی همین مفکر کنی را هم که آزادی را از خود رژیم طلب می کند و چیزی جزیک آزادی محکرو سرودم بربیده و ناچیز نمیخواهد، نمیتواند تحمیل کند. حقیقت این است که جمهوری اسلامی، مطلقاً با آزادی سر سازش ندارد، برای دفاع از موجودیت خود جزس رکوب و قهر چیزی نمیشناسد. اکنون در حالی که اوضاع اقتصادی و سیاسی روبه و خامت نهاده، ماهیت ارتجاعی جناب خاتمی نیز بیش از پیش بر ملا شده است و حتی استحاله چیان "لیبرال" نیز از استحاله لیبرالی حکومت مایوس شده اند، جنبشی که شکل گرفته بیش از پیش رادیکال خواهد شد. با توجه به خامت اوضاع اقتصادی و فشارهای سیاسی رژیم، محتمل ترین چشم انداز، رشد و اعتلام جنبش و حضور فعل طبقه کارگر در مبارزه سیاسی است. تهنا هنگامی می توان از یک جنبش سیاسی واقعی در ایران سخن گفت که طبقه کارگریه این جنبش شکل دهد. تهایین جنبش یاری رویاروئی با رژیم را خواهد داشت و میتواند آزادی را برای مردم ایران به ارمغان آورد. تمام سرنوشت جنبش آزادی خواهانه مردم ایران و باسته به جنبش مستقل سیاسی طبقه کارگر و بدون است. بدون این جنبش مستقل طبقه کارگر و بدون حضور طبقه کارگر، آزادی راستین وجود خواهد داشت.

تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل از سوی عراق و به منظور از بین بردن سلاحهای شیمیایی و محدود کردن قدرت نظامی عراق انجام گرفته است. این ادعاهای چیک منطبق بر واقعیات نبود بلکه صرفاً توجیهی بر عملیات نظامی بودند. در مورد دادگاهی خواهد شد و رژیم چه خواهد کرد؟ بسته به اوضاع و احوال و فشارهای داخلی و بین المللی میتواند سناریوهای مختلفی وجود پیدا کند. اگر ز دامنه اعتراض و فشار کاسته شود، ماجرا خلی ساده و بسیار سروصدا به پایان خواهد رسید. شاید افرادی که دستگیر شده اند بی گناه تشخیص داده شده و آزاد شوند. اگر مساله کمی بین عراق صورت نگرفته است. ادعاهای دیگر مخالف بودند بلکه با استناد به گزارشات و اظهارات برخی از اعضاء هیئت بازرسی براین اعتقاد بودند که تخلفی جدی از سوی زمام داران آمریکا و انگلیس نیز همانگونه که در عمل نشان داده شد، بی پایه و اساس بود. حملات نظامی که معمولاً شباه صورت میگرفت ضربه چندانی به بنیه و تاسیسات نظامی عراق وارد نیاورد و بمباها و موشكها اغلب به تاسیسات غیر نظامی و مراکز مسکونی اصابت کردند. بازترین دلیل بی اعتمادی ادعای آمریکا و انگلیس نیز همانگونه نظمامی امریکا و انگلیس که آنها دقیقاً اهداف نظامی را مورد حمله قرارداده اند، موشكی بود که خرم‌شهر ایران اصابت کرد. این موشك که گویا قرار یود دریکی از تاسیسات نظامی بصره فرود آید، از خرم‌شهر سردر آورد. بنابراین روشن است که تمام ادعاهای نظامی را بخوبی از خرم‌شهر ایران اصابت کرد. اما از هم اکنون همه میدانند که این بازیها و صحنه سازیها هدف دیدگری جز فریب مردم ایران و افکار عمومی جهان را دنبال نمی کند، لذا هیچکس ادعاهای سران رژیم مبنی بر محکمه و مجازات عاملین قتلها را باور ندارد. از همین روست که نویسندهای خواهان تحقیق مستقل هیئتی از سازمانهای بین المللی طرفدار حقوق بشر شده اند. پر واضح است که سران رژیم با این خواست نویسندهای مخالفت کنند، چرا که این تحقیق میتواند به یک رسوانی بزرگ‌تر از مکونوس برای حال آنچه که مسلم است، از دیدگاه مردم ایران سازمانده و مجری این قتل‌ها حکومت اسلامی و دستگاههای سرکوب و اطلاعاتی آن هستند. مردم ایران این مতهم را هم اکنون به محکمه کشیده و حکم محکومیت آنرا صادر کرده اند. لذا تلاشهای مذبوحانه سران رژیم برای فریب مردم ایران و افکار عمومی جهان با شکست قطعی روبرو خواهد شد.

← شوند. اما هیچ نام و نشانی از این "بخی" که "در اختیار" هستند داده نمیشود. کسی توضیح نمی دهد که اینها چه کاره بوده و چگونه دستگیر شده اند. اما بالآخره چه خواهد شد و رژیم چه خواهد کرد؟ بسته به اوضاع و احوال و فشارهای مختلفی و بین المللی میتواند سناریوهای مختلفی وجود پیدا کند. اگر ز دامنه اعتراض و فشار کاسته شود، ماجرا خلی ساده و بسیار سروصدا به پایان خواهد رسید. شاید افرادی که دستگیر شده اند بی گناه تشخیص داده شده و آزاد شوند. اگر مساله کمی بین تکرار شود و نادمین مجاهد که سرخ آنها در خارج از کشور است، مسئولیت قتلها را بپذیرند. شاید هم که ماموران وزارت اطلاعات این نقش را بازی کنند. اما اگر اعتراض تا به حدی باشد که رژیم احساس خطر کند، حتی میتواند مهره های خود را قربانی کند، همان کاری که رژیم شاه کرد و با تمام خدماتی که نصیری به وی کرده بود، امثال اعتباری ادعای سیاستمداران و فرماندهان نظامی آمریکا و انگلیس که آنها دقیقاً اهداف نظامی را مورد حمله قرارداده اند، موشكی بود که خرم‌شهر ایران اصابت کرد. این موشك که گویا قرار یود دریکی از تاسیسات نظامی بصره فرود آید، از خرم‌شهر سردر آورد. بنابراین روشن است که تمام ادعاهای سیاستمداران آمریکائی و انگلیسی صرفاً توجیه و بهانهای برای حمله نظامی به عراق بوده است. این توجیهات آن قدر ابکی و بی پایه بود که اکنون حتی مطبوعاتی که در آمریکا و انگلیس نیز همانگونه نظمامی قلمفرسانی میکردند، این اسکن های از حمله نظامی درست هنگامی آغاز گردید که قرارداد شد. این اسکن های از حمله نظامی آمریکا به عراق یکی از اهداف حمله نظامی ایران است و نتیجه ملموس آن چه بود؟ حتی برخی از شکست آمریکا و انگلیس سخن میگویند. واقعیت امراین است که اگر در ظاهر امریکا و انگلیس به هیچیک از اهداف اعلام شده به هنگام تجاوز نظامی به عراق نرسیده اند، پرای این است که اهداف واقعی حمله نظامی، در آمریکا و انگلیس نیز بود که اعلام شد. در واقع یکی از اهداف حمله نظامی آمریکا به عراق، تلاش برای تخفیف تضادهای سیاسی در درون هیئت حاکمه آمریکا بود. این حمله نظامی درست هنگامی آغاز گردید که قرارداد شد و مجلس نمایندگان آمریکا در مورد استیضاح کلیتون به اتهام فساد اخلاقی تصمیم بگیرد. کلیتون میخواست با این عملیات نظامی موقعیت داخلی خود را بهبود بخشد، رقیب جمهوریخواه خود را به عقب نشیتی و دارد و مساله استیضاح را تحت الشاعع جنگ قرار دهد. اما اهداف اساسی تری نیز پشت این حمله نظامی قرار داشت. آمریکا و انگلیس که البته به نسبتهای جنگی خروارها بمب بر سر مردم عراق فروریختند. در نتیجه این حملات وحشیانه، دهها تن جان باختند و صدها نفر زخمی شدند. این اقدام تجاوز کارانه آمریکا و انگلیس که یک تخطی اشکار از قوانین و مقررات بین المللی نیز بود، موجی از مخالفت و اعتراض را در کشورهای مختلف جهان برانگیخت و خود در خلیج فارس و کشورهای نیروهای نظامی خود میکنند. از موجودیت رژیمهای ارتجاعی منطقه دفاع میکنند، بازارهای ارتجاعی آنها تحفظ میکنند، رژیمهای ارتجاعی منطقه را واداره به خرید مقادیر کلانی سلاح مینمایند و از این طریق سودهای هنگفتی عاید انحصارات

یادداشت‌های سیاسی

شورای اسلامی شهر و روستا ، ارگانهای حکومت علیه مردم اند

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا کانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به نکم، از آدرس های زیر بست کنند.

I. S. V. W
Postfach 122
Postament 1061, Wien
Austria

I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 6416
75139 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue Lecourbe
75015 Paris
France

P . B . 22925 هند
1100 DK Amsterdam
The Netherlands

حکومت اسلامی، در اوایل به قدرت رسیدن خود، برای این که شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان، سربازان و پرسنل انقلابی را که در جریان انقلاب شکل گرفته بودند سرکوب و منحل سازد و یا آنها را از محتوای انقلابی تھی سازد، در برابر شوراهای انقلابی توده های مردم، شوراهای اسلامی را علم کرد. در هر کجا که توانست شوراهای انقلابی را منحل سازد، نظیر شوراهای دهقانان ترکمن صحراء و یا شوراهای سربازان و پرسنل انقلابی ارتش، آنها را منحل نمود. امادر کارخانه ها که با مقاومت جدی کارگران روبرو بود، تلاش نمود تا شوراهای را از محتوای واقعی خود تھی سازد و تدریجاً شوراهای اسلامی را که ارگانهای سازش و تحقیق و جاسوسی و سرکوب رژیم بودند جایگزین آنها ساخت. شوراهای شهر و روستا نیز در آن ایام با همین اهداف از سوی سران رژیم پذیرفته شد تاگر لازم آمد، از طریق آنها جلو ابتکار انقلابی خود توده مردم را بگیرد و ارگانهای فرمایشی خود را به عنوان شورا به مردم قالب کند. والرژیم حتی حاضر نبود اسمی از شورا بیاورد. رژیمی که بینادش بر سلسه حاکمیت از توده مردم، اختناق و سرکوب و به بندشیدن مردم است، اصلًا چه کارش با شورا؟ به حال، ماجراي طرح شوراهای اسلامی از سوی رژیم بین قرار بود که گفتیم و اگر امروز هم پس از ۲۰ سال دوباره از پایگانی آثار عتیقه رژیم بیرون آورده شده اند، در خدمت همان اهداف اند. رژیم، امروزه شورای اسلامی شهر و روستا در حالی مطرح کرده است که اعتراض و نارضایتی توده مردم از بی حقوقی و اجحافات متعدد حکومت به مرحله ای نزدیک می شود که پای برآفکنند رژیم در میان است. در این شرایط رژیم جمهوری اسلامی و از جمله رئیس جمهور ارش در تلاش اند که برای آرام کردن مردم و ادعای دمکراسی از طریق شوراهای اسلامی، جنبش اعتراضی مردم را مهار کنند. شوراهای اسلامی، شهر و روستا، خدا دیگر نوبت به گرم کردن سر مردم با انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا سیده است. بوقهای تبلیغاتی حکومت همه بر سراین مساله به صدا در آمدند. رادیو و تلویزیون رژیم برنامه هائی در وصف نقش و اهمیت شوراهای پخش میکنند. روزنامه های رژیم همه روزه به نحوی از انحا مطلقی را که مرتبط با این موضوع است به چاپ میرسانند. همه دست اند کاران حکومت در نطقها و مصاحبه های خود از سرنوشت ساز بودن این انتخابات سخن میگویند. تمام تشکیلات وابسته به وزارت کشور و کارگزاران این دستگاه از صدر تا ذیل از وزیر کشور و معاونین و مشاورین اش گرفته، برای این امر "خطیر" بسیج شده اند. آقای موسوی لاری وزیر کشور حکومت اسلامی لحظه ای را برای بازارگرمی های خود از سست نمیدهد. مصاحبه های ایشان سرشار است از جملات پرطمطران در وصف شوراهای وی که چندی پیش در هم آیش استانداران و معاونین وزیر کشور سخن میگفت، برای این که شوراهای اسلامی شهر و روستا را خیلی مهم جلوه دهد، گفت که تاکنون مساله "مشارکت مردم تا حدودی یکطرفه بوده است و بیشتر موقع از آنان خواسته شده است تا به مناسبی در صحن حضور داشته باشند. ولی در مورد شوراهای از مردم برای مشارکت در مدیریت جامعه دعوت میشود." ایشان همچنین ادعا کردن که "انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در حقیقت انتقال و جابجائی قدرت و مدیریت از مدیریت متمرکز به مردم است."

بینیم این شوراهای "سرنوشت ساز" که گویا قرار است "در حدود ۴۰ هزار روستا و ۱۱۰ شهرک تشکیل شوند و ۲۰۰ هزار عضو" داشته باشند و "قدرت و مدیریت" را "جابجا" کنند، چه هستند و با چه هدفی پس از ۲۰ سال حاکمیت خود مکراتیک و ارتقای حکومت اسلامی علم

١٥٤٢

LWA

6932641 Postbank
Holland

شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۷۹ - ۰۹۷۹۱۳۵۷

ایمیل آنکارا

info@fedajian-minority.org

KAR

Organization Of Fedajin (Minority)

<http://www.fedaian-minority.org>

<http://www.fedaian-minority.org>

No. 321 jan 1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق